



## فهرست مطالب

- ۲..... محاکمه کارگران هفت تپه، محاکمه طبقه کارگر ایران،
- ۳..... این ازدواج است یا جنایت؟
- ۴..... تشدید سرکوب زنان «کاهش کشف حجاب در خودرو، با اجرای طرح ناظر»
- ۵..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۱..... بیانیه سندیکای کارگران هفت تپه
- ۱۱..... وضعیت زندگی یک کارگر در سیستم موجود (سرمایه داری)
- ۱۲..... حمله به تجمع مسالمت آمیز حامیان حقوق حیوانات محکوم است
- ۱۳..... در باب بیانیه‌های ۱۴ نفره و سیاست همدستی با امپریالیسم
- ۱۴..... شلیک به سوی مردم بی دفاع را قویاً محکوم می‌کنیم
- ۱۴..... به مناسبت سی و هشتمین سالگرد اعدام رفیق بهمن نعمت‌الهی (ایرج)
- ۱۵..... به مناسبت سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲
- ۱۶..... یادآوری تاریخی به مناسبت شصت و ششمین سالگرد کودتای خائنانه
- ۱۷..... سخنانی از پرواند ابراهامیان در مورد رژیم پهلوی
- ۱۸..... نفت کش ایران آزاد شد، اما تحریک و توطئه ادامه دارد
- ۱۹..... یک خبر جعلی
- ۲۰..... توتسکی و خیانت تاریخی او به انقلاب اکتبر
- ۲۰..... دست‌ها از افغانستان کوتاه!
- ۲۱..... درهم شکسته‌باد آبارتاید جنسی در ایران
- ۲۲..... آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت (۲۳ - ۲۹ مرداد)
- ۲۳..... محکومیت مرضیه امیری به ده سال و نیم حبس
- ۲۴..... تحریم های ایالات متحده در حال از بین بردن بیماران مبتلا به سرطان در ایران است
- ۲۵..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۲۷..... پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام



## محاكمه کارگران هفت تپه، محاكمه طبقه کارگر ایران،

به نفع کلان سرمایه‌داران زالوصفت است

سرانجام پس از ماه‌ها بازداشت، شکنجه و زندان روز ۱۲ مرداد ماه اولین جلسه دادگاه فعالین کارگری سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و پنج تن از فعالین رسانه‌ای آغاز شد. «اسماعیل بخشی» و «علی نجاتی»، نمایندگان انتخابی سندیکای نیشکر هفت تپه و پنج فعال دیگر «سپیده قلیان»، «عسل محمدی»، «ساناز الهیاری»، «امیر امیرقلی» و «امیر حسین محمدی فرد» از نویسندگان و فعالین «نشریه اینترنتی گام» هستند.

اگر فرزند من و شما را به دادگاه احضار کنند، ما چه می‌کنیم؟ روشن است، پشت درهای بی‌دادگاه به عملکرد چنین دادگاه‌هایی اعتراض می‌کنیم. تعدادی از آشنایان و حامیان زحمتکشان در برابر دادرسی تجمع کردند. معترضین هم با یورش نیروی امنیتی دستگیر و روانه زندان شدند. «هیراد پیر بداغی»، «رهام یگانه»، «فرید لطف آبادی» از بازداشت‌شدگان‌اند.

حکم دادگاه در این روز به دلایل موهوم به تأخیر افتاد. شنبه ۱۹ مرداد «سپیده قلیان»، که در اعتصاب غذا به سر می‌برد، محاکمه شد. او در دادگاه اظهار داشت که در دوران بازجویی تحت فشار و شکنجه قرار گرفته است و به این خاطر اتهامات وارده را شدیداً مورد اعتراض قرار داد. «جمال‌الدین حیدری منش»، وکیل خانم «سپیده قلیان» اظهار داشت که «موکل او خانم قلیان به عنوان فرزند یک کارگر حق دارد که از دیگر کارگران و از حق و حقوق‌شان دفاع کند. دفاع از حق و حقوق قانونی که دیگر جرم نیست». جالب است به‌دانیم که زیر سایه احکام اسلامی، در چارچوب نظام منفور جمهوری اسلامی جهت

ماستمالی کردن رانت‌خواری‌ها در مجتمع هفت تپه، وکیل قانونی آقای «حیدری منش» هم تهدید به بازداشت شد و البته وسائل همراه او نیز توقیف شد که درس عبرتی شود تا در جلسات بعدی و یا برای موکل دیگری دهان نه‌گشاید و در سکوت در انتظار صدور حکم دادگاه باشد. جالب است به‌دانیم که قاضی پرونده فوق به آقای «حیدری منش» می‌گوید: «شما با دفاع از سپیده قلیان، قوه قضائیه و نیروهای امنیتی را زیر سوال می‌برید!» به این معنی وکلای شریف ایران باید بدانند که وظیفه آنان نه دفاع از موکل، بلکه دفاع از قوه قضائیه و نیروهای صدیق! امنیتی است، هزینه‌اش را هم باید موکلین متقبل شوند. این قانون زور در نظام حاکم بر ایران است.

وضع وکیل «اسماعیل بخشی» هم بهتر از اولی نیست. وسائل خانم «فرزانه زیلابی»، وکیل «اسماعیل بخشی» نیز توقیف شد و برای ایشان هم پرونده‌سازی کردند تا برای دیگران هم درسی شود و تکلیف‌شان از پیش روشن گردد!

باید به این نکته مهم توجه داشت که قاضی خطاب به بازداشت‌شدگان، که گفته بودند، خطایی مرتکب نشده‌اند و از حقوق حقه خود، که نان، کار و آزادی است، دفاع کرده‌اند و اینها طبق قوانین جمهوری اسلامی جرم محسوب نمی‌شود، گفته است که «شعار نان، کار، آزادی مربوط به زیر شکم و بالای شکم است، اینها شعارهای کمونیستی است!» نمی‌دانستیم که رهبر انقلاب، آیت‌الله خمینی، در دوران انقلاب «کمونیست» بوده است! از بقیه اظهارات قاضی درمی‌گذریم چون فاقد ارزش و از اینرو قابل بررسی نیست. به‌بینید کارگران ایران، زحمتکشان ایران با چه هیولاهایی باید دست و پنجه نرم کنند! سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیه‌ای جداگانه به همین منظور به قاضی پاسخ دندان شکنی داد: «ما می‌گوئیم پیروز شده‌ایم، چرا که توانستیم کیفرخواست میلیون‌ها کارگر و زحمتکش را روی میز قوه قضائیه ایران قرار دهیم. خواست



میلیون‌ها کارگر، فارغ از رنگ، نژاد، مذهب و ملیت، با هر لباس و زبانی که باشد، عرب، لر، کرد، ترک، فارس، بلوچ، وووو. مطالبه ما کارگران رنگ و نژاد نمی‌شناسد؛ جنبش ما، جنبش نان، کار و آزادی است و در هیچ دادگاهی شکست نه خواهد خورد، در هیچ دادگاهی!.

دادگاه «امیرحسین محمدی فرد» و «ساناز الهیاری» به ریاست قاضی سرشناس «مقیسه» روز ۲۰ مرداد برگزار شد که در طی آن «متهم» امکان دفاع از خود را نه یافت و به دلیل کمبود وقت، رسیدگی به پرونده «ساناز الهیاری» یک هفته دیگر هم به تأخیر افتاد و «امیر حسین محمدی فرد» هم به اعتصاب غذای خشک خود ادامه داد.

سرانجام حکم بیش از ده کارگر هفت‌تپه صادر شد: ۸ ماه حبس تعزیری و ۳۰ ضربه شلاق براساس رأی دادگاه؛ ۹ نفر از کارگران به تحمل ۸ ماه حبس تعزیری و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند، که تا پایان مدت تعیین شده توسط دادگاه به صورت تعلیق خواهد بود و یک کارگر دیگر نیز از اتهامات مطروحه تبرئه شد. دادگاه این کارگران ۲۳ مرداد ماه برگزار شد و پیش از این، هفت کارگر این مجتمع به هشت ماه حبس تعلیقی و ۳۰ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شده بودند.

\*\*\*

رژیم منفور جمهوری اسلامی از بدو پیدایش خود همواره با زبان زور، تهدید، زندان، شکنجه و اعدام با کارگران و زحمتکشان ایران سخن گفته است. امروز نیز با هدف به حاشیه کشاندن فساد مالی و دزدی سران بلندپایه نظام، رخنه جاسوسان در ارگان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و به خاطر شرایط بسیار دشوار اقتصادی و ادامه سیاست‌های خانمان‌برانداز خصوصی‌سازی، کماکان دست به ایجاد ارباب و تهدید می‌زند. بدون شک این پایان ماجرا نیست و ظلم و بی‌دادگری توسط دستگاه‌های اجرائی ادامه خواهد یافت. بدون تردید نه دادگاه‌های فرمایشی و نه زندان و شکنجه، زحمتکشان جامعه را از مبارزه برای احقاق حقوق باز نه خواهد داشت و با اتحاد طبقاتی و تشکیلات سیاسی به پیروزی دست خواهند یافت.

حزب ما پیگیرانه از مبارزات سندیکائی و به حق زحمتکشان ایران تا آخرین توان دفاع می‌کند و در جهت سازماندهی اعتراضات کارگران و تقویت تشکلات مستقل کارگری و برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران زندانی و سایر فعالین سیاسی از هیچ کوششی دریغ نه خواهد کرد.

## این ازدواج است یا جنایت؟

معصومه ابتکار: «فاصله سنی برخی کودک‌همسری‌ها ۵۰ سال است»

هفته ازدواج در ایران با برنامه‌های تبلیغی - تشویقی در حالی جریان دارد که از هر دو ازدواج یکی به طلاق عاطفی می‌انجامد و تکلیف لایحه کودک‌همسری مشخص نیست. در بسیاری شهرستان‌ها ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله رواج دارد.

وزارت ورزش و جوانان ۱۲ مرداد را «روز ملی ازدواج» نامید و طی یک هفته در استان‌های مختلف، مراسمی برای موج‌آفرینی و تشویق جوانان به تشکیل خانواده برگزار کرد.

«شبکه نمایش» سیما یک هفته فیلم‌هایی با سوژه ازدواج نشان داد. وزیر ارتباطات اعلام کرد به همه زوج‌هایی که در این هفته ازدواج کنند، یک سال اینترنت مجانی داده خواهد شد. در بسیاری شهرستان‌ها گفته‌اند که در «هفته ازدواج»، هیچ طلاقی را ثبت نمی‌کنند.

تشویق ازدواج «کودک همسری» شکلی از جنایت و تجاوز به حقوق کودک است و باید به شدت محکوم گردد.

<https://t.me/totoufan>

کانال رسمی تلگرام وابسته به حزب کار ایران - توفان •

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است





## تشدید سرکوب زنان «کاهش کشف حجاب در خودرو، با اجرای طرح ناظر»

«فرمانده ناجا: با بی‌حجابی براساس قانون برخورد می‌کنیم. با اجرای این طرح، کشف حجاب در خودروها به صورت چشمگیری کاهش یافته، که باید در اماکن و معابر شهری نیز این امر با جدیت دنبال شود و تمامی دستگاه‌ها، استان‌ها و ادارات مربوطه نیز پای کار بیایند». تسنیم

هرساله با فرارسیدن فصل تابستان خون جمهوری اسلامی به جوش می‌آید. حجاب زنان به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و مشغله فکری خلفای اسلامی بدل می‌شود. مردم ایران با چهره‌ها و منش و رفتار کثیف این مدافعان «عفت» عمومی آشنائی دارند. هرکس یکبار با آنها روبرو شده و صحبت کرده باشد، از لحن و شیوه بیان آنها پی به خاستگاه اجتماعی آنها برده این را می‌فهمد که آنها چیزی جز جمع اخلاف قدراره بندانی نظیر «حسین رمضان یخی» و «شعبان بی‌مخ» و «طیب خان» و انگل‌های دیگری از این دست، نیستند.

روزگاری آنها به اتفاق نوجه‌ها و امثال «شمس قنات‌آبادی»‌ها برای کاشانی و اسلام‌اش سینه خالکوبی شده خود را چاک می‌دادند و امروز اینها، که خود سوابق طولانی در ترویج فحشاء و تغذیه از چنین لجن‌زاری را دارند، برای اسلام عزیزشان و نظام «ناموس‌پرست» جمهوری اسلامی یقه می‌درانند، دست به ضرب و شتم زنان و جوانان می‌زنند. لمین حزبالله که این روزها در هیئت نیروی انتظامی و با «اجرای طرح، کشف حجاب در خودروها» ظاهر گشته است، پوسیده‌ترین و عقب‌مانده‌ترین گروه اجتماعی در جامعه سرمایه‌داری است و محصول تعفن و گندیدن

تدریجی تحتانی‌ترین لایه‌های اجتماعی، یعنی خرده بورژواهای ورشکست‌شده و کارگران از تولید جدا مانده و دهقانان مهاجر به ولگردی کشیده شده است. کسانی که هیچ نقش ثابت اجتماعی در تولید و توزیع ندارند، محل گذران زندگی شان غیر مشخص و مشکوک است و بسیاری از این جماعت به استخدام دولت لمپن جمهوری اسلامی درآمده‌اند. این تیپ فاقد شخصیت اجتماعی، مستعدترین گروه برای جمع شدن حول کیسه پول نفت، کثیف‌ترین و مرتجع‌ترین و فاشیست‌ترین جناح بورژوازی است. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به راحتی می‌تواند آنها را با پول و مزایا به خدمت خود درآورد، زیرا هرجا که دولت احساس خطر کند، او آمادگی کامل برای دست‌زدن به هر جنایتی را دارد. زمانی به دست «سرلشکر زاهدی» و «آشرف پهلوی» و با وسوسه دلارهای آمریکائی عامل «قیام ملی» علیه دکتر مصدق و جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران می‌شود و زمانی دیگر به دست کسانی نظیر «بهشتی»، «رفسنجانی» و امروز تحت رهبری رهبر جمهوری اسلامی به سرکوب زنان می‌پردازند. دزدها، جیب‌بُر‌ها، قاچاق‌چیان، قوادان، باج‌خواران (نظیر «ماشالله قصاب»)، دوره‌گردان و... به این تیپ اجتماعی تعلق دارند. انقلابی که طبیعتاً می‌بایست به عمر چنین مشاغل و تیپ‌هایی خاتمه دهد، با فروغ‌طلبدن به زیر رهبری بورژوازی تجاری بهترین زمینه‌ها را برای رشد آنها فراهم ساخت. بحران عمیق اقتصادی، ناامنی سیاسی و فرهنگی نه تنها پس از ۴۰ سال فروکش نه کرد، بلکه بر اثر سیاست‌ها و عملکردهای ناگزیر نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، زمینه تقویت «لمپنیسم» را فراهم نمود.

رژیم جمهوری اسلامی اکنون در انفراد کامل به‌سر می‌برد و مورد تنفر اکثریت مردم ایران است. سرکوب و وحشیانه کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان و همه محرومان جامعه ناشی از ضعف و ترس رژیم است. لیکن گره رژیم با سرکوب زنان گشوده نه خواهد شد. بحران رژیم و تشدید تحریم اقتصادی و محاصره نظامی ایران با سرکوب و توهین و تحقیر جوانان پاسخ‌ده خواهد گرفت، بلکه زمینه را برای عوامل امپریالیسم و خرابکاری در داخل بیشتر فراهم خواهد کرد. سرکوب زنان و کارگران و دانشجویان و دگراندیشان شعله خشم و نفرت علیه خلفای حاکم را هنوز عمیق‌تر خواهد نمود. انقلابات و قیام‌های معاصر ایران نشان داده‌اند که زنان نقش شایسته‌ای در نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسم داشته‌اند و این بار نیز زنان جوان ایران سهم بزرگی در سرنگونی رژیم زن‌ستیز اسلامی و استقرار آزادی به عهده خواهند گرفت. حزب ما «طرح، کشف حجاب در خودروها» و تشدید سرکوب زنان «بد حجاب» را شدیداً محکوم می‌کند و این اقدامات جنون‌آمیز و زن‌ستیزانه را نشان از ضعف و درماندگی کاربه‌دستان جمهوری اسلامی می‌داند. رژیم جمهوری اسلامی تنها راه بقای نظام سرمایه‌داری مافیایی خویش را در تشدید سرکوب و ارباب مردم می‌بیند. جمهوری اسلامی در مقابل جنبش متحد کارگران و زنان و عموم زحمتکشان درهم خواهد شکست و جز این نیز نخواهد بود. دست رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از زنان ایران کوتاه باد!



دستگیری‌ها و به حبس‌های طولانی مدت و ضرب و جرح و شکنجه زندانیان و به محاکمه کشاندن آن‌ها در بی‌دادگاه‌های خود ادامه می‌دهد و خیال ندارد که قدمی به عقب بردارد.

در بی‌دادگاه‌های خود حتی می‌خواهد همانند دهه ۶۰، زندانیان را از حقوق قانونی خود دور سازد، آن‌ها را بدون وکیل و حق دفاع به مسلخ به کشاند. مضحک و مسخره است، کسانی که با غارت کارگران و زحمتکشان ایران بهشت آسمانی! را بر روی زمین برای خود ساخته‌اند و به اشکال مختلف به عیش و نوش و شهوت‌رانی‌های آنچنانی مشغول‌اند، تقاضای کارگران برای یک زندگی شرافتمندانه را با ادبیاتی لُمپانه، خواستی مربوط به شکم و زیر شکم می‌خوانند. دستگاه قضایی حکومت کثیف اسلامی، که کوس رسوایی قاضی القضاة و مسئولین ریز و درشت‌اش گوش فلک را کر کرده است، تقاضا و تلاش کارگران برای دریافت حقوق و مزایای آنها را مورد توهین قرار می‌دهد. زهی بی‌شرمی!

ولی مبارزه کارگران و دیگر زحمتکشان پایانی ندارد و در کارخانه و مزرعه و خیابان و زندان ادامه خواهد یافت، تا مردم شرافتمند و غیرتمند ایران طعم شیرین پیروزی را به‌چشند. در مرداد مبارزه و مقاومت در داخل و خارج از زندان‌ها ادامه یافت، که بخشی از آن را در ذیل می‌آوریم:

### زندانیان جنبش کارگری

#### ۱ مرداد

«امیرحسین محمدی فرد»، در بیستمین روز اعتصاب غذا، شرایط نگران‌کننده دارد و احتمال وقوع سکنه قلبی و مغزی برای او بوجود آمده است.

«سپید قلیان» در همفکری و هماهنگی با دیگر زندانیان اعتصابی، علیه ظلمی که بر زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان

## در جبهه نبرد طبقاتی

### اخبار و گزارشات کارگری مرداد ماه ۱۳۹۸

مرداد ماه، ماه تلاش امپریالیسم آمریکا و درباریان برای سرکوب کارگران و زحمتکشان و ملی‌گرایان ایران و برپایی حاکمیت ابدی به وسیله کودتا، بر ایران بود که با انقلاب بهمن ۵۷ به ذباله‌دان تاریخ سپرده شدند. ولی دشمنان مردم ایران نمی‌خواهند از تاریخ درس به‌گیرند و بار دیگر برای مقاصد پلید و جهان‌خوارانه‌شان تمامی نیروی خود را برای تحریم و تهدید به جنگ علیه کارگران و زحمتکشان و مردم ایران به کار گرفته‌اند و حکومت سرمایه‌داری اسلامی نیز با سوء استفاده از این فشار خارجی با تمام قوا سعی در سرکوب کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زحمتکشان و مزدبگیران دارد، به گمان آنکه می‌تواند برای خود بهشتی ابدی بر کرده کارگران و زحمتکشان بنا سازد.

در مرداد ماه، کارگران و زحمتکشان ایران، که فشار مضاعف تحریم را بر دوش خود حس می‌کنند و سایه وحشتناک جنگ را بر بالای سر خود می‌بینند، در مقابل شمشیر از رو بسته شده سرمایه‌داران و حکومت مافیایی آن‌ها قرار گرفته‌اند. زیرا سردمداران نظام مقدس اسلامی! از تشکیل یابی و اتحاد کارگران و زحمتکشان بیش از امپریالیست‌ها می‌هراسد. آنان می‌دانند که کارگران متحد و متشکل، بهشت جاودانه! و قدرت ابدی آنان را نابود خواهند ساخت و بر ویرانه سرمایه‌داری دنیای زیبای کارگران و زحمتکشان را استوار می‌سازند.

رژیم اسلامی، که تمامی تلاش خود را برای سازش با امپریالیست‌ها به کار گرفته است، در مقابل کارگران و نمایندگان‌شان و فعالین کارگری، مدنی، ادبی، هنری و ... چنگ و دندان نشان می‌دهد و شمشیر خود را از رو می‌بندد؛ به

رفته است، دست به اعتصاب غذا زد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در حمایت از کارگران زندانی بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است که «تقابل جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی، که حالا در پیوند مستحکمی با همدیگر قرار گرفته‌اند، با دستگاه‌های سرکوب‌گر به جدی‌ترین، حساس‌ترین و شدیدترین مرحله خود رسیده است. کارگران، معلمان، دانشجویان، جوانان، نویسندگان، بازنشستگان و زنان و هر انسانی که خواهان شرایط انسانی برای زیستن است، به هیچ وجه قصد کوتاه آمدن و دست برداشتن از مبارزه نیستند و در مقابل نیز دولت و حکومت تمام تلاش خود را از جمله اعمال فشار بر بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی، بکار گرفته‌اند، تا مانع روند رو به رشد و گسترش و قدرت‌گیری مبارزات شوند. محبوس کردن فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان، زنان و غیره با احکام طولانی مدت و نگه‌داشتن بازداشت‌شدگان هفت‌تپه و روز جهانی کارگر و فعالین زنان و فعالین محیط زیست برای ماه‌ها در بازداشت و زیر فشار و شکنجه برای اعتراف‌گیری و مستندسازی‌های احتمالی، آخرین تقلا برای به عقب‌راندن جنبش‌های اعتراضی در سطح جامعه است.

باید این حربه را با براه‌انداختن اعتراضات وسیع و سراسری خنثی ساخت و بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی مربوط به هر عرصه‌ای، از کارگری گرفته تا زنان و آزادیخواهان و برابری‌طلبان را از زیر فشار رها کرد و به آغوش جامعه برگرداند.»

کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه با فرستادن نامه‌ای اعتراضی در دفاع از بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر و بازداشت‌شدگان هفت‌تپه خواهان آزادی آنان گشت. در این نامه آمده است که: «ما سازمان‌های سندیکایی فرانسوی امضا کننده این نامه با تمام نیرو، این اعمال سرکوب‌گرایانه غیرقابل تحمل را قویاً محکوم می‌کنیم. از رژیم ایران می‌خواهیم که به پیمان‌های بین‌المللی، که دولت ایران امضاء کرده است، احترام به‌گذارد.»

اتحادیه کارگری و مردمی برزیل از مقامات ایران خواست تا به پیگردهای قضایی علیه بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر و فعالان کارگری هفت‌تپه پایان دهند و خواستار آزادی دستگیر شدگان شد.

## ۲ مرداد

در حالی که یک هفته به تاریخ برگزاری جلسه دادگاه «کار، نان، آزادی» باقی مانده است. بار دیگر جهت اعمال فشار و تهدید «فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران، به عنوان متهم به دادسرای شهرستان اهواز احضار شد.

«ندا ناجی» در اعتراض به رفتار پرسنل زندان با خانواده‌هایی که

برای ملاقات به زندان قرچک مراجعه می‌کنند، در نامه‌ای به رئیس زندان اعلام کرد که تا زمان اجرای قانون تفکیک جرائم و انتقال به اوین، با خانواده خود ملاقات نخواهد کرد.

## ۳ مرداد

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد برای ایران در نامه‌ای خطاب به مقامات جمهوری اسلامی سرکوب فعالان کارگری را محکوم کرد.

## ۴ مرداد

وضعیت جسمانی «سپیده قلیان» رو به وخامت است. او به خاطر اُفت شدید فشار بی‌هوش، و به بهداری زندان منتقل شد.

اتحادیه کارگری یونیفور کانادا اعتراض خود را به حبس ناعادلانه و محاکمه بازداشت‌شدگان روز کارگر و زندانیان هفت‌تپه اعلام داشت. در نامه اعتراضی این اتحادیه آمده است که: «ما امیدواریم که حکومت ایران به تعرض و هدف قراردادن فعالان کارگری، که در پی آزادی و برابری هستند، فوری پایان دهد. کارگران حق دارند از شرایط متناسب شغلی، آزادی تشکل، مذاکرات جمعی منصفانه و بدون هیچگونه آزار و اذیت، ارعاب، تهدید و خشونت برخوردار باشند.»

## ۶ مرداد

«سپیده قلیان» در ششمین روز از اعتصاب غذای خشک خود در حالی که حتی از خوردن آب امتناع می‌ورزد، با عوارض جبران‌ناپذیر اعتصاب دست به گریبان است. «سپیده قلیان» در حالی از طرف رییس زندان و دادیار ناظر بر زندان برای شکستن اعتصاب غذایی تحت فشار قرار دارد که هیچ اقدامی در جهت بررسی مطالبات او انجام نشده است.

## ۷ مرداد

جمعی از کارگران و فعالین سندج با صدور بیانیه‌ای در حمایت از کارگران زندانی و بازداشتی‌های اول ماه مه خواهان آزادی زندانیان جنبش کارگری شدند. اینان در بیانیه خود آورده‌اند که «ما جمعی کثیری از کارگران و فعالین کارگری سندج و خانواده‌هایمان حمایت بی‌دریغ خود را از خواسته‌ها و مطالبات این عزیزان اعلام می‌داریم و آزادی بی‌قید و شرط تمامی آنها و متوقف کردن تعقیب قضایی و پرونده‌سازی برای کارگران و فعالین کارگری از جمله «اسماعیل بخشی»، «امیر حسین محمدی فرد»، «ساناز الهیاری»، «سپیده قلیان»، «علی نجاتی» و «عسل محمدی» و بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر «ندا ناجی»، «عاطفه رنگریز» و «آنیسا اسدالهی» را خواستاریم و عواقب ناشی از هر نوع اتفاق ناگواری را برای این عزیزان متوجه مقامات قضایی و امنیتی و مسئولین زندان‌ها می‌دانیم. در پایان ضمن ارج نهادن و احترام به تصمیم این عزیزان در ادامه اعتصاب غذای خود تا رسیدن به خواسته‌هایشان، از این رفقای



«امیرحسین محمدی‌فرد» در بیست و نهمین روز اعتصاب خود بیش از ۱۱ کیلو وزن کم کرده و اکنون به ۵۴ کیلو رسیده است. امیرحسین علیرغم شرایط نامناسب جسمی قویاً تأکید کرده است که با وجود تمام فشارها و آزارها تا زمان اجرایی شدن مطالبات‌اش دست از اعتصاب غذا نه خواهد کشید.

کانون نویسندگان ایران در محکومیت دادگاه فعالان کارگری بیانیه‌ای داد که در آن آمده است: «در سال گذشته چند هزار کارگر شرکت نیشکر هفت تپه برای حفظ شغل و گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده‌شان دست به اعتراض زدند و کسانی را به نمایندگی انتخاب کردند؛ کسانی اخبار و گزارش‌های آن اعتراض‌ها را بازتاب دادند. حال آن نمایندگان و مدافعان و بازتاب‌دهندگان پس از ماه‌ها بازداشت و تحمل رنج فراوان قرار است چند روز دیگر به دادگاه برده شوند.

کانون نویسندگان ایران با تأکید بر حق آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا، برگزاری چنین دادگاه‌هایی را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط «اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان»، «علی نجاتی»، «امیرحسین محمدی‌فرد»، «ساناز اللهیاری»، «امیر امیرقلی»، «عسل محمدی» و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است.»

#### ۱۱ مرداد

در بیانیه مطبوعاتی حزب چپ آلمان در همبستگی با بازداشت‌شدگان روز کارگر و بازداشت‌شدگان هفت تپه آمده است: «حزب چپ آلمان واضح و آشکار علیه جنگ با ایران و همزمان علیه رژیم مستبد در ایران موضع‌گیری می‌کند.»

#### ۱۲ مرداد

بی‌دادگاه زندانیان هفت تپه با حضور «اسماعیل بخشی»، «علی نجاتی»، «محمد خنیفر»، «سپیده قلیان»، «ساناز الهیاری» و «عسل محمدی» برگزار گردید. «فرید لطف‌آبادی»، «رهام یگانه»، «سحرشهبایی فراهانی» و «هیراد بداغی» از دستگیرشدگان امروز توسط مأموران امنیتی در مقابل دادگاه انقلاب است. بازداشت این عزیزان در مقابل بی‌دادگاه و در جمع خانواده زندانیان صورت گرفت.

سندیکای کارگران هفت تپه در اطلاعیه‌ای آورده است: «برگزاری این دادگاه نشان داد که قوه قضائیه نه تنها نهادی مستقل نیست، بلکه به عنوان بازوی حمایتی سرمایه‌داران ایفای نقش می‌کند. این دادگاه در واقع «اسماعیل بخشی» را به نمایندگی از همه ما کارگران هفت تپه محاکمه می‌کند. اسماعیل تنها در اعتراض به حقوق‌های معوقه همه ما و از بین رفتن شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه محاکمه می‌شود.»

«امیر حسین محمدی» به دلیل شرایط بحرانی ناشی از اعتصاب

گراقدر تقاضامندیم برای تداوم مبارزه خود، که تا این لحظه صدای‌شان برای طبقه کارگر ایران و جهان رساتر شده، که اعتصاب غذای خود را پایان دهند و تاب و توان خود را در ادامه هر چه هموارتر کردن مسیر مبارزه طبقاتی تا رسیدن به دنیای آزاد و برابر قرار دهند.»

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با صدور اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «محاکمه کارگران حق‌طلب، نه فراموش می‌شود و نه بخشیده خواهد شد. ... در روز ۱۲ مرداد ماه، قرار است تعدادی از کارگران هفت تپه و حامیان و مدافعان کارگران محاکمه شوند؟! اعتراض به این فضای پُر از تهدید و ارباب، وظیفه تمام کسانی است که مخالف هرگونه ستمی هستند. در روز ۱۲ مرداد ماه قرار است نان، کار، آزادی محاکمه شود. باید به این شرایط اعتراض کرد و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران در بند شد. ... سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، ادامه بازداشت و پرونده‌سازی علیه کارگران هفت تپه و مدافعان آنان را شدیداً محکوم کرده و خواستاریم به این روند ضد کارگری پایان داده شود.

#### ۸ مرداد

«عاطفه رنگریز» در بازگشت از بهداری و در گریه‌ور زندان قرچک مورد اهانت عوامل بهداری زندان قرچک قرار می‌گیرد و منجر به درگیری لفظی می‌شود که بلافاصله یکی از زندانیان دخالت کرده و عاطفه را مورد تهاجم قرار می‌دهد.

«سپیده قلیان» برای دفاع از عاطفه و به منظور کنترل شرایط سعی در جدا کردن شخص مهاجم می‌کند که خودش نیز مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و بدین شکل، مجدداً سناریوی کثیف سوء استفاده از زندانیان عادی برای سرکوب زندانیان سیاسی به اجرا گذاشته شد.

#### ۹ مرداد

شاعران و هنرمندان گچساران در حمایت از کارگران و اعتراضات آنان بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه آمده است که: «ما نویسندگان و شاعران گچساران با اعلام حمایت از این اتحاد، خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی از جمله «اسماعیل بخشی»، «امیرحسین محمدی‌فرد»، «ساناز اللهیاری»، «امیر امیرقلی» و «سپیده قلیان» هستیم. ما به عنوان «هنرمندان بام نفت و گاز ایران» لازم دیده‌ایم که با حمایت خود از کارگران و فعالین کارگری، پیوندی عمیق را ایجاد کرده و در جهت رشد و بالندگی آن بکوشیم.»

جمعی از فعالان اجتماعی و خانواده‌های زندانیان سیاسی با حضور در مقابل زندان اوین، همراهی و حمایت خود را از فعالان کارگری و کارگران در بند اعلام داشتند.

#### ۱۰ مرداد

غذا در بی دادگاه حاضر نبود.

«سپیده قلیان» با دستیابی به بخشی از خواسته‌ها و بنا به درخواست‌های زیاد اعتصاب غذایش را پایان داد.

از جمله نتایج اعتصاب او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تهیه ۱۲ عدد ویلچیر، بهبود کیفیت غذا، جامایعی مخزن دار، رنگ آمیزی سالن، کولر سالن ورزش، سیستم صوتی سالن ورزش.

### ۱۳ مرداد

در دومین روز بی دادگاه، «اسماعیل بخشی» به قاضی اعلام نمود که خط قرمز من، کارگران هفت‌تپه و وکیل است و هرگونه توهین به کارگران هفت‌تپه و وکیل با پاسخ قاطع اینجانب روبرو خواهد شد.

قاضی بی دادگاه با وقاحت تمام به «اسماعیل بخشی»، نماینده کارگران هفت‌تپه، که مورد پشتیبانی تمامی کارگران و زحمتکشان ایران و جهان است، گفت: «شعار نان، کار، آزادی» شعاری کمونیستی است؛ بخشی به او پاسخ داد که این شعار معیشتی و مطالباتی است و از خواسته کارگران هفت‌تپه دفاع نمود. ولی «قاضی مقیسه» با وقاحت تمام اظهار داشت که «شعار «نان کار آزادی» شعاری زیر شکمی و بالای شکمی است».

زهی بی شرمی! همچنین «قاضی مقیسه»، قرار «عسل محمدی» را به ۲ میلیارد افزایش داد، که به علت عدم تودیع وثیقه دو میلیارد تومانی «عسل محمدی» به زندان منتقل شد. و این در حالی است که اختلاس‌گران نجومی یا بدون وثیقه آزاد می‌شوند و با تودیع وثیقه‌های کم، آزاد و از ایران می‌گریزند.

«عاطفه رنگریز» از زندان قرچک به بی دادگاه منتقل و جلسه دادگاه وی برگزار شد. در این جلسه، که به ریاست «قاضی مقیسه» برگزار شد، قرار وثیقه ۲ میلیارد تومانی برای آزادی موقت «خانم رنگریز» تعیین شده است. از آنجایی که خانواده این شهروند بازداشتی امکان تأمین آنرا ندارد، وی به زندان بازگردانده شد.

«لیلا حسین‌زاده» برای اجرای حکم ۳۰ ماه حبس به بند زنان اوین منتقل شد.

### ۱۵ مرداد

«فرزانه زیلابی»، وکیل «اسماعیل بخشی»، «علی نجاتی» و دیگر کارگران هفت‌تپه به دادرسی انقلاب اهواز احضار شد.

«آینشا اسداللهی» پس از ۵۰ روز بازداشت با تودیع وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی موقتاً آزاد شد.

### ۱۶ مرداد

رسیدگی به اتهامات «حسن سعیدی»، عضو برجسته سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار شد. اتهامات واهی به ایشان، همانند

دیگر زندانیان جنبش کارگری، «اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و اختلال در نظم و آسایش عمومی» عنوان شد. که در واقع این اتهامات واهی معنی دیگری جز دفاع از حقوق کارگران ندارد.

### ۱۹ مرداد

«ناهد خداجو»، عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، در دادگاه حضور یافت و به دفاع از حقوق کارگران پرداخت.

«سپیده قلیان» به دلیل دفاع از حقوق و مطالبات کارگران هفت‌تپه محاکمه شد. او اعلام داشت که «من در حین بازجویی تحت فشار و شکنجه قرار گرفته و مجبور به اعتراف شده‌ام، پس اتهامات وارده را قبول ندارم». وقتی آقای «حیدری‌منش» از «سپیده قلیان» دفاع می‌کند، ایشان تهدید به بازداشت می‌شود و تمام وسایل همراه ایشان را ضبط می‌کنند.

قاضی پرونده خطاب به وکیل «سپیده قلیان» می‌گوید که شما با دفاع از «سپیده قلیان»، قوه قضائیه و نیروهای امنیتی را زیر سوال می‌برید.!

### ۲۰ مرداد

دادگاه «امیرحسین محمدی فرد» و «ساناز الهیاری» برگزار شد. در طول جلسه «قاضی مقیسه» کمترین اجازه و فرصت دفاع را به «امیرحسین محمدی فرد» نداد و همچنین به علت کمبود وقت رسیدگی به پرونده «ساناز الهیاری» نیز به هفته آینده موکول شد. «امیرحسین محمدی فرد» پس از جلسه بی دادگاه خود، اعلام اعتصاب غذای خشک کرد!

### ۲۲ مرداد

«امیرحسین محمدی فرد» بنا به درخواست مدافعان زندانیان سیاسی به اعتصاب غذای خشک خود پایان داد ولی اعلام داشت که «در اعتراض با اقدام فرا قانونی عوامل امنیتی و قضایی مبنی بر عدم تودیع وثیقه اعلام شده برای بنده و همسر «ساناز الهیاری» و در اعتراض به بازداشت دوباره «عسل محمدی»، عضو هیئت تحریریه نشریه گام، و سرکوب رفقای معترض به سرکوب و دستگیری آنان در مقابل دادگاه خالی از عدالت (انقلاب) رفقای در بند، «هیراد پیردقی»، «رهام یگانه» و «فرید لطف‌آبادی» و خواست آزادی‌شان همچنان اعتصاب تر را ادامه خواهیم داد». هفده نفر از کارگران، همراهان و هم‌سنگران «اسماعیل بخشی» در روزهای اعتصاب در هفت‌تپه نیز، در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری شهرستان شوش زیر ضرب قرار گرفته و یکی یکی محاکمه می‌شوند. تاکنون ۷ کارگر هفت‌تپه محاکمه و به تحمل ۸ ماه حبس تعلیقی و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند و ۱۰ نفر از کارگران نیز فردا (۲۳ مرداد ماه) محاکمه می‌شوند و یک نفر دیگر نیز اخیراً احضار شده



است.

### ۲۳ مرداد

در دادگاه شوش، ده نفر از کارگران نیشکر هفت تپه محاکمه شدند. آقایان، «حسین انصاری زاده»، «محمد خنیفر»، «فیصل ثعالبی»، «صاب ظهیری»، «عادل سماعی»، «اسماعیل جعاده»، «بنی نعیمی»، «امید آزادی»، «رستم عبدالله زاده» و «عصمت الله کیانی» در دادگاه شوش محاکمه شدند.

دادگاه «سید رسول طالب مقدم» به اتهام‌های ساختگی «اخلال در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام» برگزار گردید.

### ۲۶ مرداد

دادگاه آقای «حسن سعیدی» برگزار شد. فعالیت‌های ایشان دفاع از حقوق کارگران بوده است، اما به اتهام «اخلال در نظم عمومی و اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» مورد محاکمه قرار گرفتند.

### ۲۷ مرداد

«اعظم خضری جوادی» («نسرین جوادی») از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و عضو هیأت مؤسس شورای کارگری بازنشستگان تأمین اجتماعی (بستا) که در تاریخ ۱۵ مرداد ماه دادگاهی شده بود به هفت سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. «مهدی قلیان» در دزفول دادگاهی شد.

### ۳۰ مرداد

«امیرحسین محمدی فرد» به اعتصاب غذای خود پایان داد.

«سلام به رفقا و دوستان»

سه روزی که به بهانه معاینات پزشکی و تحت درمان قرار گرفتن، مرا به سلول انفرادی بهداری منتقل کردند، رفتارهای آزاردهنده‌ای را که در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین تجربه کردم، همچنان در حال اجرا بود.

اکنون که نزدیک به ۵۰ روز است در اعتصاب غذا به سر می‌برم، درخواست من مبنی بر این بود که با تودیع وثیقه من و همسرم، ساناز الهیاری موافقت شود و با اعتصاب اعلام کنم که معترضم به دستگیری دوباره عسل محمدی؛ معترضم به دستگیری رهام یگانه، هیراد پیرداتی و فرید لطف آبادی که به سرکوب‌ها معترض بوده و مقابل دادگاه انقلاب بازداشت شدند و معترضم به حبس اسماعیل بخشی نماینده شورای کارگری در هفت تپه.

اکنون دیگر روی سخنم با شما فعالان حوزه کارگری؛ روی سخنم با شما نویسندگان متعهد به حق آزادی است که بار دیگر با کمیته سراسری نشان دادید همیار و متحد طبقه کارگر می‌باشید و مایه دلگرمی ما برای تحمل این رنج هستید.

اکنون با این دلواپسی‌ها که از نامه‌ها، پیام‌ها و امضاهایتان مشهود بود، با احترام فراوان درخواست شما را می‌پذیرم و به اعتصاب غذای خود پایان می‌دهم. امیرحسین محمدی فرد»

### کارگران بخش‌های دیگر

#### ۱ مرداد

حدود ۲۰۰ کارگر کارخانه کنتورسازی قزوین، در اعتراض به عدم حضور خود در کارخانه، مقابل ورودی این کارخانه تجمع کردند.

برای دومین روز متوالی، حدود ۳۰۰ کارگر بازنشسته شرکت مخابرات راه دور شیراز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و وعده‌های توخالی مسئولان مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کردند.

#### ۲ مرداد

کارگران مترو تهران نسبت به نداشتن امنیت شغلی در شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه تجمع کردند.

کارگران نیروگاه بادی منجیل واقع در استان گیلان در اعتراض به کاهش غیرقانونی حقوق‌شان در مقابل ارگان‌های اداری در این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### ۷ مرداد

سومین روز متوالی اعتصاب کارگران راه آهن حوضه بندر عباس در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه حقوق، کارگران خط راه آهن ادامه دارد.

#### ۱۰ مرداد

پنجمین روز اعتصاب کارگران تحت پوشش شرکت تراورس حوضه احمدآباد نسبت به پرداخت نشدن حقوق و مزایا و نداشتن قرارداد معین نسبت به کارشان.

#### ۱۵ مرداد

کارگران و کارکنان مخابرات روستایی کل کشور در اعتراض به پایین بودن حقوق و اجرائ شدن قانون طبقه‌بندی مشاغل، در مقابل ساختمان وزارت ارتباطات در تهران تجمع کردند.

#### ۲۶ مرداد

اعتصاب ۲۷۰ نفر از پرسنل شرکت شفا رود شهرستان تالش در اعتراض به اخراج آنها.

کارگران شهرداری پارس آباد در استان اردبیل در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق‌شان مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. این تجمع باعث شد تا معوقات آنها تا اردیبهشت ماه تسویه شود. بار دیگر کارگران نشان دادند تا

**۲۰ مرداد**

براساس فراخوان داده شده اعتراض به صدور حکم ظالمانه ۱۳ سال زندان برای «کمال جعفری یزدی»، که تجدید دادگاه داشت، تعدادی از فعالان صنفی و فرهنگیان جلوی دادگستری مشهد (بلوارساجدی) تجمع اعتراضی بر پا کردند. در پی آن تعدادی از حاضران بازداشت شدند.

**۲۲ مرداد**

حمایت جمعی از معلمان ایران از «محمد حبیبی» و دیگر معلمان زندانی. معلمان خواستار آزادی حبیبی و تمام معلمان دربند شدند.

**۲۷ مرداد**

جمعی از معلمان در اعتراض به بازداشت «هوشنگ کوشکی»، «هاشم خواستار»، «جواد لعل محمدی» و «محمدحسین سپهری» بیانیه‌ای صادر کردند که در آن آمده است: «در حالی که تعدادی از معلمان عدالت خواه به جرم مطالبه گری و حق طلبی در زندان هستند و این روزها شاهد احضار و پرونده سازی برای فعالان صنفی توسط اطلاعات و اطلاعات سپاه هستیم و هیات‌های تخلف اداری زمینه ساز سرکوب معلمان هستند، طی روزهای گذشته شاهد دور جدیدی از سرکوب فرهنگیان بخاطر فعالیت مدنی بودیم».

**۲۸ مرداد**

«محمد تقی فلاحی» به ۸ ماه حبس تعزیری و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شد. گفتنی است اجرای این حکم به مدت سه سال تعلیق شده است.

**۳۰ مرداد**

حمایت معلمان مریوان از «اسکندر لطفی» در پی احضار ایشان به دادگاه انقلاب و دادگاه کیفری سنندج.

**پرستاران****۱۲ مرداد**

تجمع پرستاران در برابر استانداری خراسان رضوی، در اعتراض به پرداخت نشدن حق کارانه، سختی گذران زندگی و ستم و تبعیض.

\*\*\*

سرمایه داران و مسئولان ریز و درشت نظام اسلامی باید بدانند که مبارزه کارگران و زحمتکشان خاموش شدنی نیست و و سرانجام شکست از آن ستمگران است.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است! •

با اتحاد و مبارزه می توان به حق خود دست یافت. کارگران قطار شهری اهواز (شرکت کیسون) برای عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق، تهدید به اخراج از کار و بی تفاوتی مسئولان دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند. جمعی از کارکنان ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت ماهها مطالباتشان دست به تجمع مقابل این اداره کل استان زدند.

**۲۸ مرداد**

جمعی از کارگران قراردادی شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس، در اعتراض به لغو قرارداد کارگران این شرکت از سوی کارفرما، در مقابل ساختمان خصوصی سازی در تهران تجمع کردند

**بازنشستگان****۱ مرداد**

تجمع تعدادی از فرهنگیان بازنشسته مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران

**۵ مرداد**

بازنشستگان کشوری مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

**۶ مرداد**

پیگیری اعتراض بازنشستگان نسبت به عدم دریافت پاداش بازنشستگی و تجمع مجدد در برابر سازمان برنامه و بودجه.

**۱۵ مرداد**

فراخوان انجمن صنفی بازنشستگان، برای تجمع بازنشستگان در تاریخ چهارم شهریور ساعت ۱۰ صبح، مقابل وزارت تعاون و رفاه.

**فرهنگیان****۱۳ مرداد**

بیش از هزار معلم حق التدریس در اعتراض به بلا تکلیفی وضعیت استخدامی خود، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند.

**۱۴ مرداد**

جمعی از معلمان حق التدریس سراسر کشور برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود، در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش، تجمع کردند. تجمع فرهنگیان در کرمانشاه در حمایت از معلمان دربند



## وضعیت زندگی یک کارگر در سیستم موجود (سرمایه داری)

آیا می‌دانید در حاکمیت این نظام جهل و جنون جنایتکار، یک مرد یا زن سرپرست خانواده روزش را چگونه می‌گذراند؟ صبح ساعت ۷ باید پشت میز در کارگاهی باشد که در آن کار می‌کند.

اما از ۷ صبح تا کی؟ تا ۸ شب یعنی ۱۳ ساعت یکساعت برای استراحت و ناهار که می‌شود روزی ۱۲ ساعت کار مستمر روزانه! البته این کارگر خیلی شانس آورده که در این اوضاع بیکاری شاغل هست. فرض می‌گیریم که او باید ۵۰۰ هزار تومان اجاره خانه بدهد؛

۶۰۰ هزار تومان قسط بانک برای باز پرداخت رهن خانه

۵۰ هزار تومان هزینه آب و برق و گاز و غیره

۳۵۰ هزار تومان اقساط صندوق قرض الحسنه

۴۰۰ هزار تومان اقساط وام کالا

۳۰۰ هزار تومان وام ازدواج و جهیزیه دخترش

۲۰۰ هزار تومان قسط مواد خوراکی ضروری

این می‌شود ماهی ۲ میلیون و چهارصد هزار تومان! او کارگر خوشبختی است که می‌تواند این همه وام به‌گیرد. او البته کارگر خوشبختی است که می‌تواند ماهانه ۱ میلیون و پانصد هزار تومان دستمزد از صاحب کارگاه دریافت دارد. و خوشبخت‌تر آنکه مجبور نیست هر از چندگاه برای دریافت حقوق معوقه دست به اعتصاب یا تجمعات اعتراضی به‌زند

## بیانیه سندیکای کارگران

### هفت‌تپه

پیروزی «نان، کار، آزادی»، در دادگاه!

۱۲ مرداد ۱۳۹۸ روز محاکمه کارگران هفت‌تپه، «اسماعیل بخشی»، «علی نجاتی» و محاکمه حامیان جنبش کارگری بود.

همانطور که قبلاً سندیکای کارگران هفت‌تپه اعلام داشته بود، در این دادگاه تنها «اسماعیل بخشی»، «علی نجاتی»، «سپیده قلیان» و «عسل محمدی» و... محاکمه نمی‌شوند، در واقع آنچه قرار بود محاکمه شود، «نان، کار، آزادی» بود.

قاضی پرونده، گفته است که «شعار نان، کار، آزادی، شعار بالا شکمی و زیر شکمی است!!!؟؟؟»؛ جواب اسماعیل این بود، شعار «نان، کار، آزادی» فشرده خواست و مطالبه کارگران است. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه ادعا دارد که شعار «نان، کار، آزادی» در این دادگاه! پیروز شده است، حتی اگر متهمان این پرونده مشمول مجازات‌ها سنگین و غیرانسانی شوند.

ما می‌گوئیم پیروز شده‌ایم، چرا که توانستیم کیفرخواست میلیون‌ها کارگر و زحمتکش را روی میز قوه قضائیه! در ایران قرار دهی؛

ما پیروز شدیم چرا که نماینده کارگران هفت‌تپه از خواست میلیون‌ها کارگر زحمتکش در ایران به دفاع برخاست؛

ما پیروز شدیم و بر خود می‌بالیم که خواست میلیون‌ها انسان را فریاد زدیم. خواست میلیون‌ها کارگر، فارغ از رنگ، نژاد، مذهب و ملیت، با هر لباس و زبانی که باشد، عرب، لر، کرد، ترک، فارس، بلوچ و... مطالبه ما کارگران رنگ و نژاد نمی‌شناسد، ما خواستار یک زندگی شایسته به دور از ستم و استثمار هستیم. جنبش ما، جنبش «نان، کار، آزادی»، در هیچ دادگاهی شکست نخواهد خورد! در هیچ دادگاهی!

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه •



## حمله به تجمع مسالمت‌آمیز حامیان حقوق حیوانات محکوم است

با انتشار فیلم سگ‌کشی پیمانکار شهرداری تهران در اینترنت دوشنبه ۲۸ مرداد بیش از پانصد نفر از حامیان حقوق حیوانات در مقابل شهرداری تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. حامیان حقوق حیوانات خواستار تصویب قانون حمایت از حیوانات شدند. پیش‌تر در کلیپ‌های منتشر شده در اینترنت نشان داده می‌شد که شهرداری کهریزک اقدام به تزریق اسید و آزار سگ‌ها می‌کند.

تجمع روز دوشنبه ۲۸ مرداد با «حمله نیروی انتظامی» به تجمع‌کنندگان به خشونت کشیده شد و ده‌ها تن مجروح و شماری بازداشت شدند. در پی حمله به حامیان حقوق حیوانات که برای اعتراض به «سگ‌کشی پیمانکار شهرداری» در تهران تجمع کرده بودند، «شهربانو امانی»، عضو شورای شهر تهران، سه‌شنبه در توییت نوشت: «طبق اصل ۲۷ قانون اساسی مردم معترض حق تجمع دارند. باید مشخص شود چه کسانی به خود اجازه داده‌اند به تجمعی مسالمت‌آمیز حمله‌ور شوند؟ تجمعی که می‌دانیم حق با معترضان است و کشتار حیوانات، احساسات شهروندان را جریحه‌دار کرده است. از کنار این بی‌قانونی عیان نمی‌گذریم و آنرا پیگیری خواهیم کرد».

مبارزه فعالین محیط زیست و طبیعت و حیوانات در ایران روبه رشد است و این مبارزه بخش جدایی‌ناپذیر از سایر مبارزات دمکراتیک در عرصه‌های کارگری، زنان، کودکان، آموزش و بازنشستگان است. مجموعه این مبارزات در سطوح مختلف در پیوند ناگسستنی با مبارزه علیه تحریم اقتصادی و مداخلات خارجی به سوی استقرار نظامی دمکراتیک مبتنی بر آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران در حال پیشروی است

از مبارزات فعالین محیط زیست و حمایت از حیوانات  
حمایت کنیم •

تا او را در ملاء عام شلاق‌اش زنند یا به زندانش اندازند. از برای این همه خوشبختی است که کسی از وی نمی‌پرسد ۹۰۰ هزار تومان کسری مخارج‌اش را از کجا باید تأمین نماید؟ او و خانواده‌اش نباید هرگز بیمار شوند، نباید دچار سانحه و حادثه غیرمترقبه گردند، نباید به مهمانی بروند یا مهمان دعوت کنند. هیچیک از وسایل زندگی‌شان نباید تعمیر شود. نان و آب و برق و گاز و کرایه و لوازم تحریر بچه‌ها نباید مستمراً گران شوند، که البته می‌شوند!!

مدرسه دولتی نباید کمک هزینه و شهریه بچه‌ها را بالا ببرد، که می‌برد و سرانجام اگر صاحب‌خانه اجاره خانه را اضافه نه‌کند، که می‌کند! او و خانواده‌اش می‌توانند ماهی ۹۰۰ هزار تومان بدهکار شوند و هر دو ماه به اندازه یک ماه دستمزد ماهانه‌اش در قرض و قوله فرو بروند. و خلاصه در بهترین حالت این خانواده در طول یکسال به اندازه ۶ ماه دستمزد ثابت‌اش مقروض شده و از هستی ساقط می‌شود.

اما در کنار این واقعیات، آیا می‌دانید واقعیت بزرگ‌تر چیست؟ آیا می‌دانید ۱۴ میلیون کارگر ایرانی در بهترین حالت در چنین وضعیت اسفناکی هستند؟ آنان که بیکار هستند! آنان که اخراج شدند! آنان که بازداشت و زندانی هستند! آنان که به علت شرکت در یک اعتصاب ساده فراری هستند و امثال آنها که دیگر هیچ! این هست سرانجام نظام سرمایه‌داری که اکثریت جامعه تحت چنین شرایط سگی زجر به کشند و عده‌ای اقلیت، آقازاده، ژن‌های برتر و بورژواها (سرمایه‌دارها) در بهشتی که بر دوزخی که مردم دچارش‌اند، بنا نهاده شده به زندگی لاکچری خود ادامه دهند و در ناز و نعمت و مکنّت و بد مستی پول به غلظند.

برگرفته از کانال اتحاد بازنشستگان ایران •

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب  
مبارزه کرد

دشمنان قسم خورده مردم ایران و سایر خلق‌های منطقه و جهان و کسب جاه و مقام و شهرت و پول و یا نفرت و انتقام‌گیری شخصی صورت می‌گیرد، باید در متن تحولات سیاسی منطقه و جهان و تجاوزات امپریالیستی به ممالک ضعیف و سلطه بلامنازع سرمایه مالی بر سیاست و اقتصاد و منابع طبیعی کشورها مورد تبیین قرار داد.

تحریم اقتصادی «هوشمندان» و مداخلات «بشردستانه» ابزاری برای تحقق اهداف ضدبشری امپریالیسم آمریکاست و سخن گفتن در اینجا از حمایت از حقوق بشر در ایران حرف مفتی بیش نیست، فقط به منظور تشویق دول امپریالیستی برای تشدید تحریم‌ها و مداخله نظامی در ایران است. این کارچاق‌کنان سیاسی، که مدعی شجاعت و صراحت لهجه هستند، پس چرا در قبال خطر تجاوز نظامی و سیاست‌های زورگویانه و تروریستی آمریکا سکوت کرده‌اند. ترس‌شان از چیست، هراس‌شان از کیست؟ چرا مبارزه علیه رژیم سیدعلی را با مبارزه علیه ترامپ و ترامپ‌سیسم و امپریالیسم و صهیونیسم پیوند نمی‌زنند؟ وحشت‌شان از کیست، بیم‌شان از چیست؟

اگر هدف از سرنگونی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی استقرار جمهوری و عدالت اجتماعی و دموکراسی و حفظ استقلال سیاسی است، آنوقت این مبارزه نمی‌تواند جهت‌گیری ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی نه داشته باشد. در غیر اینصورت چنین مبارزه‌ای پیش‌ریزی نمی‌ارزد، فقط به نفع طبقات فوقانی و ارتجاع جهانی است و بس! باید هوشیار بود و کوشش کرد این دو خط متضاد از هم را تمیز داد.



نامه حمایت ۱۴ کنشگر زن مقیم خارج به «زنان امضاکننده بیانیه استعفای خامنه‌ای»

## در باب بیانیه‌های ۱۴ نفره و سیاست همدستی با امپریالیسم

این روزها عده‌ای کاسب کار و نان به نرخ روز خور سیاسی دیدار با ترامپ و پمپئو و جان بولتون، این بزرگ‌ترین چاقو کشان بین‌المللی و نمایندگان بزرگ‌ترین تروریست دولتی جهان را، که ناقضان حقوق ملل و حقوق بشر هستند، با چاشنی «حقوق بشر» و «دفاع از زنان و حقوق مردم ایران» توجیه می‌کنند!

عده‌ای نیز در قالب انتشار بیانیه‌های ۱۴ نفره و اعتراض به وضع موجود خواهان استعفای سیدعلی خامنه‌ای و «براندازی حکومت جمهوری اسلامی» و استقرار نظام «سکولار دموکراسی» شده‌اند و از «جامعه جهانی و سازمان ملل متحد» می‌خواهند از این هدف متمدنانه سیاسی حمایت نمایند! امضاکنندگان بیانیه چهارده نفره همسو با سلطنت‌طلبان درباره تحریم و خطر تجاوز نظامی نه‌دانسته یا مودبانه سکوت می‌کنند، تا خدشه‌ای بر وحدت کلمه «همه با هم» و همدستی با امپریالیسم وارد نه‌سازد. دلایل اینگونه دیدارهای «تابوشکنانه»، بیانیه‌ها و نامه‌نگاری‌های «شجاعانه» را که به منظور شکستن قبح خیانت و همدستی با



## شلیک به سوی مردم بی دفاع را قویاً محکوم می‌کنیم

طبق گزارشات رسیده از منطقه محمودآباد استان مازندران «در پی درگیری میان نظامیان فرودگاه نیروی هوایی ارتش با افرادی که در پی حکم دادگاه «قصد تصاحب زمین‌های مورد مناقشه را داشتند»، دو نفر کشته و چهار نفر زخمی شده‌اند.» «حسین حسن‌نژاد»، معاون سیاسی - امنیتی استان مازندران، به اخبار تلویزیون ایران گفت: «در پی تنش بوجود آمده در اجرای رأی قطعی دستگاه قضایی در حوزه سرخورد متأسفانه این اقدام منجر شد یگان فرودگاه بیشه‌سر اقدام به تیراندازی به سمت معترضان کند. در این حادثه ۲ نفر جان باختند و ۴ نفر نیز مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند.» وی ضمن ابراز همدردی با خانواده کشته‌شدگان و مجروحان این درگیری گفته افرادی در این رابطه دستگیر شده‌اند و وعده داده با مسیبان این واقعه «برخورد جلدی و قانونی» شود. «حسن‌نژاد» در این گفتگویی تلویزیونی تأکید کرد که شورای تأمین استانداری مازندران ضمن «تقیح این اقدام» تصریح می‌کند که این رویداد «سیاسی نبوده» و «هیچ ارتباطی به مساله زمین‌خواری» هم نداشته «بلکه تنها مرتبط با اجرای یک حکم قضایی» بوده است.

نیروهای مسلح رژیم مردم بی دفاع و غیرمسلح را به گلوله می‌بندند، شماری را مجروح و تعدادی را بازداشت می‌کنند، «آنوقت از خانواده‌های جانباختگان و مجروح‌شدگان دلجوئی و ابراز همدردی می‌کنند و این اقدام جنایت کارانه را به افراد خودسر نسبت می‌دهند! تو گویی این نخستین بار است که چنین جنایتی در طول حکومت ننگین چهل ساله جمهوری اسلامی رخ داده است! شرم‌تان باد!

این یک جنایت آشکار از سوی یک نظام جنایت‌پیشه است، باید محکوم گردد و عاملان و آمران این اقدام نفرت‌انگیز باید محاکمه و مجازات شوند.



به مناسبت سی و هشتمین سالگرد اعدام رفیق بهمن نعمت‌الهی (ایرج)،

### عضو کمیته مرکزی

رفیق بهمن نعمت‌الهی (ایرج)، مهندس برق و در بندعباس شرکت توانیر کار می‌کرد و از موقعیت شغلی بسیار بالایی برخوردار بود. این رفیق نیز مانند برادرش سالها قبل از انقلاب، به عضویت «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» درآمد و در جنوب ایران فعالیت می‌کرد. وی متأهل و صاحب فرزند بود. وی نیز یکبار برای تماس با مرکزیت «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» و دادن گزارش به اروپا آمد و این دقیقاً همزمان با دورانی بود که انشعاب در توفان بوقوع می‌پیوست. وی از مسائل آگاهی یافت و با مطالعه اسناد و گزارشات برای مطلع ساختن رفقا و اتخاذ تصمیم به ایران بازگشت. رفیق ایرج در جنوب ایران و به ویژه در بندعباس از نفوذ فراوانی برخوردار بود. در آن دوران ما توانسته بودیم در اتحادیه کارگران اسکله بندر عباس نفوذ کنیم و یکی از رفقای ما به پُرنفوذترین سخنگویان جنبش کارگری در آنجا بدل شده بود. رهنمودهای رفیق ایرج و اعلامیه‌های محلی که منتشر می‌شدند، در نفوذ رفقای ما در جنوب ایران بسیار موثر بود.

وی بعد از انشعاب در «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» در داخل ایران «سازمان توده زحمتکشان» را ایجاد کرد که بعد در نخستین کنگره‌اش نام خود را به «سازمان کارگران مبارز ایران» تغییر داد. وی عضو کمیته مرکزی این سازمان بود. وی در تابستان سال ۶۰ دستگیر شد. وزارت نیرو، که به وی نیاز فراوان داشت، توسط وزیر نیروی وقت از وی خواست با نوشتن توبه‌نامه‌ای جان خود را نجات دهد. وی از قبول این امر سر باز زد. احتمالاً در تهران تیرباران شد.

ننگ و نفرت بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

یادش گرامی راهش پُر رهرو باد!

برگرفته از کتاب مرغان پَرکشیده توفان.

یادنامه‌ای از شهدای توفان، چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۹۳ •



برای من فراهم خواهد بود. روزولت گفت شیراز البته از نظر موقعیت جغرافیایی جای مناسبی است، اما این خطر را دارد که به قشقایها نزدیک است و ما نمی‌توانیم به آن‌ها اعتماد کنیم، چه قشقایها دشمن سرسخت تاج و تخت‌اند. شاه این نکته را پذیرفت و گفت: اما اصفهان نیز همین عیب را دارد، پس چه باید کرد؟ بروم مشهد؟ آنجا خیلی دور است، آنجا به کشور روسیه نزدیک‌تر است تا به تهران. روزولت نام تبریز را برد و گفت در آنجا عناصر ضد مصدق قوی هستند و می‌توانند از شما پشتیبانی نمایند. شاه گفت: تبریز درست در تیررس شوروی‌ها قرار دارد. شاه کمی به فکر فرو رفت و آنگاه گفت «پیغمبر ما از مکه به مدینه هجرت کرد تا بر حساسیت موضوع تأکید نهاده باشد. من نیز به عنوان یک مسلمان همین کار را خواهم کرد. پس از آنکه مقدمات کار فراهم آمد، من فرمان‌هائی را که باید امضا می‌کنم... آنگاه با هواپیما به کناره دریای خزر می‌روم و منتظر می‌مانم و اگر مشکلی پیش آید، همراه ملکه به بغداد پرواز می‌کنم تا معلوم شود که از آن پس چه باید کرد».

در این ملاقات‌ها شاه و روزولت درباره عواملی هم که انتظار همکاری از آنان داشتند، گفتگو کردند و پیش از همه صحبت از روحانیون در میان کشیده شد. روزولت گفت: «انگلیسی‌ها خیلی امید به همکاری آنها دارند، اما دوستان ایرانی ما، که نامشان را نمی‌آورم و فقط به نام مستعار بوسکوی اول و بوسکوی دوم از آنها یاد می‌کنم، اعتماد به مالاها ندارند و من خودم هنوز مُردد هستم. ما البته مطالعه خود درباره آنها را ادامه خواهیم داد، اما تاکنون آنچه از مالاها دیده‌ایم درخواست وجوهات گزاف بوده است و من نمی‌توانم به اشخاصی که فقط برای خاطر پول حاضر به همکاری می‌شوند، اعتماد کنم. ما آدم‌های وطن پرست لازم داریم، نه آدم‌های مزدور!».

روزولت گفت: «تردید درباره قابل اعتماد بودن مالاها از آن زمان حاصل شد که هریمن و والترز (سفیر آمریکا و مترجم‌اش) با کاشانی به مذاکره نشستند. .... ولی من کاملاً هم مأیوس نیستم و فکر می‌کنم که به‌توانیم از آنها استفاده به کنیم».

«خواب‌های آشفته نفت»، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران - محمدعلی موحد - جلد دوم - صص ۸۰۵-۸۰۶



برگی در تاریخ

## به مناسبت سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲

دیدار پنهانی شاه و مأمور بلندپایه CIA پیش از کودتا؛ شاه: من مانند پیامبر اسلام هجرت می‌کنم. روزولت: روحانیان درخواست پول‌های گزاف دارند.

روزولت [مأمور اجرائی عملیات آژاکس] پس از آن شب، چند ملاقات دیگر با شاه داشت (امرداد ۱۳۳۲). تدابیر لازم برای پنهان‌کاری کامل در همه رفت و آمدها به کار بسته می‌شد. در این ملاقات‌ها روزولت جزئیات نقشه‌ای را که مأمور اجرای آن بود، به شاه اطلاع داد. این بحث هم پیش آمد که اگر در اجرای نقشه اشکالاتی پیدا شد، چه باید کرد؟ شاه گفت فکر این احتمال را هم باید به‌کنید. روزولت پاسخ داد با محکم‌کاری‌هایی که شده است، احتمال شکست بسیار ضعیف است .... شاه گفت: اگر چنین اتفاقی بیفتد، می‌توانم بروم شیراز که به اندازه کافی از تهران دور است و در آنجا امکان تحرک



برگی در تاریخ

## یادآوری تاریخی به مناسبت شصت و ششمین سالگرد کودتای خائنانه و ضدملی ۲۸ مرداد ۳۲

سانسور و خودفروخته منتشر کردند، آزادخواهان را کشتند و به سینه دیوار گذاردند، ساواک را به جان و مال ناموس مردم مسلط ساختند، حتی مجلس شورای ملی قلابی را تحمل نه کرده، آنرا مدت‌ها تعطیل کردند و اراده و خودکامگی شخص شاه را بر سرنوشت مردم ایران حاکم نمودند و... ولی نه توانستند کودتای خائنانه ۲۸ مرداد سال ۳۲ را به عنوان «قیام ملی» جا بیندازند. آنها در حکومت بودند، همه امکانات را در اختیار داشتند، حمایت امپریالیست‌های «دموکرات» جهانی را در پشت سر داشتند، ولی نه توانستند داوری واقع‌بینانه و انقلابی مردم ایران را در مورد ماهیت رژیم خودفروخته محمد رضا شاه پهلوی و رضا خان مستبد و نوکر امپریالیسم انگلیس تغییر دهند.

اکنون سلطنت‌طلبان تحت رهبری رضانیم پهلوی با سوء استفاده از استبداد مذهبی و مصیبت حاکم در ایران، به مصداق اینکه مورچه‌ها شاه دارند، زنبورها شاه دارند، پس چرا ما شاه نداشته باشیم، در تلاش‌اند که یک شکل حکومتی فرسوده و پوسیده تاریخی را از گور تاریخ با یاری «سیا» و «موساد» به در آورند و ملتی را وادار کنند که نسل‌ها در نسل‌ها مخارج گزاف مشتی طفیلی بی‌مغز را که هنرشان در برپائی عشرت‌کده‌های درباری است، پرداخت کنند. به اعتبار خویشاوندی خونی صرف نظر از درجه کیاست و یا سفاهت‌شان بر میلیون‌ها مردم حکم به‌راندند و به ریش‌شان به‌خندند و مشتی روشنفکر خودفروخته با صله و درهمی را در مدح پادشاهی به خدمت به‌گیرند، تا مردم کشورشان را شستشوی مغزی دهند و به آنها به‌قبولانند که ایرانی جماعت «شاه‌دوست» است و «نوکر صفت»! ننگ بر دودمان پهلوی و همه ارادل و اوباش روشنفکری که برای آنها و برای احترام به جهالت و نادانی و جعل تاریخ قلم‌زده، استعداد‌های خویش را به کار می‌گیرند، تا زمینه جنایات بعدی را فراهم کنند. آنهم تنها از بهر مزد حقیری که دریافت آن برای تبلیغ نیایش بُت حقارت است.

شصت و شش سال از کودتای خائنانه، ضدملی و امپریالیستی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ می‌گذرد. در سراسر مدت استبداد و خودکامگی سلطنت محمد رضا شاه، تا انقلاب عظیم ضدامپریالیستی و ضداستبدادی بهمن که به دست توده‌های میلیونی مردم، رژیم وابسته به امپریالیسم را در ایران سرنگون ساخت و استقلال سیاسی ایران را احراز نمود و سلطنت را برای همیشه در ایران به مزبله تاریخ سپرد، تبلیغ می‌شد که این روز، «روز تاریخی قیام ملی» مردم ایران بر ضد دولت خائن دکتر محمد مصدق بوده است. میدان‌ها و خیابان‌ها را به این نام نامیدند. تاریخ ایران را جعل کردند و در مدارس و مناسبت‌های عمومی تدریس کرده و جار زدند، تصویر شاه را از در و دیوارها آویزان کرده و در سینماها به نمایش گذاردند، مردم را مجبور کردند تا در مقابل تصویر شاه با نواختن سرود شاهنشاهی، که آنرا سرود ملی ایران جا می‌زدند، از جای برخیزند و به حالت احترام خبردار به‌ایستند. محمد رضا شاه، گماشته امپریالیسم و نوکر کنسرسیوم جهانی نفت را «شاه شاهان»، «خدایگان آریامهر» نام نهاده و با شعار «خدا، شاه، میهن» مقام وی را بالاتر از میهن ما ایران قرار دادند. روزنامه‌ها و کتابخانه‌های شاهنشاهی بر پا کردند، جعلیات در مطبوعات

آن نوستالژی‌سازی کنند؟ نوستالژی‌سازی در مورد دوران شاه بر پایه افسانه بنا می‌شود که «من و تو»، یکی از ارکان این افسانه‌سازی است که یک ماشین نوستالژی‌سازی با استخدام نه فعالین عادی بلکه فیلم‌سازان حرفه‌ای و متخصص برآه انداخته است. یک صنعت نوستالژی‌سازی در مورد دوران محمد رضا شاه بکار افتاده است و کارش نه تنها تحریف و بازسازی تاریخ، بلکه تولید تاریخ جعلی است. «یرواند ابراهامیان» چند نمونه این تحریف و بازنویسی تاریخ را مثال می‌زند:

«شاه در سال ۱۹۷۳ اوپک را در مورد افزایش قیمت نفت رهبری کرد، شاه و نه مصدق ملی‌گرای واقعی برای ایران بود، شاه ارتش قدرتمند در ایران بوجود آورد، شاه رهبر ملی ایران بود، شاه طرفدار فلسطینیان بود، شاه به جنبش‌های استقلال‌طلبانه آفریقا کمک می‌کرد. در صورتی که هیچ یک از ادعاها پایه عینی ندارند و همه دروغ محض‌اند. آنچه که قیمت نفت را در سال ۱۹۷۳ بالا بُرد، تحریم نفتی اعراب علیه غرب بود، که قذافی آنرا رهبری می‌کرد، کاهش تولید نفت اعراب بود که قیمت نفت را بالا بُرد در صورتی که شاه اجازه تصمیم‌گیری برای کاهش تولید نفت را نداشت، چه میزان نفت در ایران تولید شود، تصمیم کمپانی‌های نفتی بود و نه شاه. شاه هیچ قدرتی برای کنترل میزان تولید نفت نداشت. شاه آموزگار را به اوپک فرستاد، تا در حرف با افزایش قیمت نفت اوپک موافقت کند، ولی در پس پرده واقعیت چیز دیگری بود. شاه از افزایش قیمت نفت سود بُرد و درآمد ایران به ۲۵ میلیارد دلار رسید که این توان را به شاه داد تا در پروژه‌هایش دست باز داشته باشد.

ملی‌گرایی شاه اراجیفی بیش نیست. جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سال ۱۹۷۱ به مسخره گرفته شد. شاه برای آنکه به شاهنشاه تبدیل شود، سران کشورهای خارجی را به پرسپولیس دعوت کرد. اگر ۲۵۰۰ سال پیش سران کشورهای خارجی به کوروش هدیه تقدیم می‌کردند، اکنون شاهنشاه کبیر ایران به کشورهای خارجی وام می‌دهد، هندوستان یک میلیارد دلار و دوست خلق فلسطین بودن دروغ بزرگ و تحریف تاریخ است. همه اسناد نشان می‌دهند که شاه مخالف تشکیل دولت مستقل فلسطین بود. در مورد آفریقا هم شاه درست مخالف آنچه در مورد او ادعا می‌شود عمل می‌کرد، شاه به سازمان‌های تروریستی مورد حمایت آپارتاید آفریقای جنوبی کمک مالی می‌کرد. در مورد ویتنام هم دانسته عمومی است که هنری کسینجر از شاه در مورد حمایت آشکارش از آمریکا سپاسگزاری کرد.

طرفداران سلطنت ادعا می‌کنند که غرب و آمریکا شاه را از قدرت پائین کشید زیرا شاه ضد آمریکائی بود. این هم یک جوک است. گفته می‌شود که کودتای آمریکائی سازمان سیا در ایران افسانه است و این ملت بودند که شاه را از خارج برگرداند، حتی گاهی اوقات از ضد کودتای شاه بر علیه کودتای مصدق سخن بمیان می‌آید. این افسانه‌سازی‌های شبکه «من و



## سخنانی از یرواند ابراهامیان در مورد رژیم پهلوی

به مناسبت شصت و ششمین سالگرد کودتا ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

نوستالژی رژیم گذشته (حسرت‌خوری از رژیم شاه - حسرت خوردن از میهن در دوران شاه)

سه سخنران، (۱) یرواند ابراهامیان، (۲) نگار متحده و (۳) نغمه سهرابی میهمان مدرسه مطالعات ایران در دانشگاه نیویورک در اینبار با شرکت کنندگان در جلسه به بحث پرداختند.

در این جلسه «یرواند ابراهامیان» به نوستالژی‌سازی عمومی در جوامع مختلف اشاره نمود و به طور مشخص و با جزئیات به این نوستالژی‌سازی درباره رژیم شاه پرداخت. او به چند نمونه آمریکا در دهه ۱۹۵۰، انگلستان و فرانسه در دوران امپراطوری، آلمان در دهه ۱۹۳۰، و استالین پس از انقلاب روسیه، رضا شاه و محمد رضا شاه اشاره کرد. «یرواند ابراهامیان» گفت که برخی از نوستالژی‌سازی‌ها پایه عینی و برخی افسانه‌سازی است. برای مثال، محافظه‌کاران آمریکای ۱۹۵۰ که در آن «آرامش وجود داشت، بیکاری زیاد نبود، موضوعی بنام همجنس‌گرایی وجود نداشت، سفیدپوستان پروتستان در خطر انقراض قرار نداشتند» و در مورد استالین که کشور عقب مانده روسیه را به کشور صنعتی تبدیل کرد، در جنگ جهانی دوم فاشیسم را به شکست کشاند. .... پایه عینی دارند. در مورد رضا شاه طرفداران او می‌توانند به‌گویند که او یک حکومت مرکزی قدرتمند به راه انداخت و بروکراسی دولتی را در ایران ساخت، ارتش منظم بوجود آورد، برای اولین بار ایران را در جهان مطرح نمود. اما هواداران سلطنت محمد رضا شاه چه دارند که بر روی



## نفت کش ایران آزاد شد، اما تحریک و توطئه ادامه دارد

مقام‌های «جبل الطارق» دستور داده‌اند که نفت کش «گریس ۱» فوراً آزاد شود. این نفت کش حامل نفت ایران بود و یک ماه پیش به صورت غیرقانونی توقیف شد. روز جمعه (اوت برابر مرداد) مهلتی بود که دادگاه پیش‌تر برای توقیف نفت کش تعیین کرده بود. در ساعات پایانی این مهلت، آمریکا خواهان ادامه توقیف «گریس ۱» شد. قاضی ارشد دادگاه عالی «جبل الطارق» گفت این دادگاه درخواستی از طرف آمریکا را برای ادامه توقیف در دست بررسی ندارد. شرایط سیاسی و اقتصادی دولت انگلیس اجازه نمی‌داد که او به ادامه روند توقیف غیرقانونی کشتی «گریس ۱» ادامه دهد و امپریالیسم آمریکا، که انگلیس را وادار کرده بود این کار ماجراجویانه را انجام دهد، حاضر نبود در هزینه‌ها با انگلیس شریک باشد و در نتیجه شکست را پذیرفت و تسلیم شد.

حل مسالمت‌آمیز این بحران که مسبب آن دولت‌های بریتانیا و آمریکا هستند، به سود صلح و آرامش در منطقه و جهان است. اقدام غیرقانونی دولت بریتانیا به عنوان یک اقدام راهزنانه دریائی و مغایر با قوانین بین‌المللی مورد تأیید هیچ دولت مستقل و نیروی صلح‌دوستی در جهان قرار نگرفت و سرانجام تن به عقب‌نشینی داد. اما امپریالیسم آمریکا دست بردار نیست و به «یونان و سایر کشورهای حوزه مدیترانه درباره عواقب کمک به خدمه نفت کش ایرانی «آدریان دریا» (گریس ۱) هشدار داد که پس از اجازه خروج از «جبل الطارق»، به این منطقه ارسال می‌شود»

امپریالیسم آمریکا به رغم همه تلاش‌های تروریستی و قلدرمنشانه‌اش برای تشدید تحریم‌ها و اجماع جهانی با شکست روبرو شده و در انزوا قرار گرفته است. ولی علی‌رغم این همچنان به سیاست‌های ماجراجویانه و جنگ طلبانه‌اش ادامه می‌دهد.

تحریم اقتصادی ایران سیاستی تبه‌کارانه و ضد بشری و بر ضد میلیون‌ها مردم تحت ستم ایران است و باید محکوم گردد!

دست‌ها از ایران کوتاه باد!

تو» تحریف تاریخ بیش نیست برای حسرت‌سازی از دوران حکومت محمد رضا شاه. خوب است که روزنامه اطلاعات سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۳ میلادی در دوره مصدق را با روزنامه اطلاعات ۱۹۵۴ مقایسه کنید. اطلاعات دوره مصدق روزنامه نگاری خوب بود و به شکل عینی از وقایع جاری مجلس و از رویداد کشور گزارش می‌داد. روزنامه‌نگاران حرفه‌ای «اطلاعات» را اداره می‌کردند. پس از کودتا، «اطلاعات» تمام خصوصیات مثبت خود را از دست داد، مصدق دیکتاتور شد، شاه ملی و مترقی باعث سرفرازی کشور شد، شاه مشروطه خواه شد، تمام گزارشات سال‌های قبل دروغ و ساختگی اعلام شد. در اینجا با تفسیر و بازنویسی تاریخ روبرو نیستیم، بلکه با تولید تاریخ جعلی روبرو هستیم!

\*\*\*

سخنران بعدی «نگار متحده» است. او کلاً در مورد پایه‌های روانشناسی نوستالژی‌سازی صحبت کرد. «نگار متحده» به طورعمومی این پروژه را تحلیل نمود و سایت «توانا» و «من و تو» را شریک این پروژه‌سازی دانست. او جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تدارکات و هزینه آنرا:

۱۸ تن غذا، ۳۶۰ هزار تخم بلدرچین، ۲۵ هزار بطری شراب فرانسوی، ۲۵ هزار بطری ویسکی، ۲۵۰ ماشین ضد گلوله، ۴۷ کیلومتر ابریشم و ..... صحبت کرد و آنرا وسیله‌ای در دست هواداران رژیم شاهنشاهی ایران دانست، تا در بوق حسرت از دوران گذشته به‌دمنند.

سخنران سوم «نغمه سهرابی» بود که او هم به طور کوتاه در مورد نوستالژی‌سازی به شکل‌های گوناگون و توسط نهادهای متعددی صحبت کرد.

ترجمه و تکثیر از فعالین حزب کار ایران (توفان) در کانادا و آمریکا

بیست دوم اردیبهشت ماه نود و هشت  
<https://vimeo.com/334940475>



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



## یک خبر جعلی

ایران در سوریه ۱۰۵ میلیارد دلار هزینه کرده است؟ اینفوگرافیک

گروه تروریستی جبهه النصره در صفحه تبلیغاتی خود هزینه نظامی ایران در سوریه را ۱۰۵ میلیارد دلار ارزیابی کرد!

اخیراً سایت خبرهای فوری، کانال تلگرامی اخبار سوریه، با انتشار یک اینفوگرافیک با عنوان «حساب و کتاب گروهک تروریستی جبهه النصره از هزینه ایران در منطقه» نوشت:

«در بحبوحه شایعات این روزهای فضای مجازی که به هزینه‌های گزاف ایران به کشورهای منطقه پرداخته شده است، جبهه النصره با انتشار یک اینفوگرافیک به شایعات پایان داده است. شبکه‌های معاند و برون‌مرزی، همچنین کانال‌های تلگرامی ضد ایران، این روزها حرف‌چندانی برای گفتن ندارند. این شبکه‌ها اخیراً روی هزینه‌های ایران متمرکز می‌شوند و با اخباری جعلی افکار عمومی ایران را علیه حاکمیت تغییر جهت می‌دهند.

این بنگاه‌های دروغ‌پراکنی در خبری مدعی شده بودند که ایران ۱۰۵ میلیارد دلار فقط در سوریه! هزینه کرده است. ایران از سال ۱۳۹۰ تا امروز اصلاً ۱۰۵ میلیارد دلار درآمد داشته که به‌خواهد در سوریه هزینه کند؟ کل هزینه ایران در عراق و سوریه در طول ۸ سال گذشته حدود ۱۷ میلیارد دلار بوده است. حدوداً سالی ۲ میلیارد دلار.

حزب ما در باره جعلیات رسانه‌های امپریالیستی و هزینه سرسام‌آور ایران در سوریه و سایر کشورهای منطقه در شماره

۱۵۵ توفان الکترونیکی، خرداد ماه ۱۳۹۸ چنین نوشت:

«بحران اقتصادی ایران و فقر و شکاف طبقاتی و اختلاس ربطی به حمایت رژیم از سوریه، لبنان، فلسطین و یا یمن ندارد، کمتر از ۲ درصد از بودجه نظامی سالیانه ایران صرف امنیت دفاعی در خارج از مرزهای ایران می‌شود. بودجه سالیانه نظامی ایران طبق گزارش انجمن صلح سوئد ۱۶ میلیارد دلار است. در حالی که بودجه دفاعی عربستان در سال ۷۶ میلیارد دلار است. حال دقت کنید ۲ درصد از کل ۱۶ درصد بودجه نظامی ایران کجا و ۲۰۰ میلیارد دلار پول موهومی که هرگز چنین رقمی (توافقنامه برجام و تحویل ۲۰۰ میلیارد دلار توسط اوپاما به ایران!!) تحویل ایران داده نشد، کجا!!»

مشکل اقتصادی مردم ناشی از سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی رژیم است که از زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تحت نام تعدیل اقتصادی آغاز گردید و امروز مردم ایران را به خاک سیاه نشانیده است. اختلاس و دزدی و فساد و غارت اموال عمومی مردم و پائین نگاه‌داشتن دستمزدها و افزایش حقوق مدیران و روسای بالائی و عدم دریافت هرگونه مالیات از اغنیا و ثروتمندان... اینها همه از تبعات نظام سرمایه‌داری و در شکل نئولیبرالیسم است که فاجعه به بار آورده است و ربطی به سوریه و فلسطین ندارد.

\*\*\*

چه خوب گفت ظریفی: ملت فاقد تشکل و تشکیلات ساده لوح است زود باور است، ذهن بین است و نادان و هر روز به هر سمت و سویی درمی‌غلطد! به هوش باشیم!.



## دست‌ها از افغانستان کوتاه!

«آمریکا هزاران نظامی خود را از افغانستان خارج می‌کند». رسانه‌های آمریکایی از اعلام آمادگی این کشور برای خروج هزاران نظامی آمریکایی از افغانستان، مطابق توافق با گروه طالبان، خبر می‌دهند. به گزارش خبرگزاری آلمان، روزنامه «واشنگتن پُست» و شبکه «سی ان ان» به نقل از منابعی که نام‌شان بُرده نشده‌است، خبر داده‌اند که طبق توافق با طالبان، نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان باید از «۱۴ هزار نفر به هشت تا نه هزار» نفر کاهش یابند.

در این توافق همچنین از طالبان خواسته شده است که گفتگوهای مستقیم با دولت افغانستان را آغاز کند. «سی ان ان» گزارش داده است که طبق این توافق کارکنان سفارت آمریکا در کابل نیز باید کاهش یابند.

افغانستان از سال ۲۰۰۱ میلادی تحت اشغال امپریالیست‌های غرب به سرکردگی آمریکا قرار دارد و او چون خر در گل فرورفته است. اشغال افغانستان نه برای «آزادی» ملت افغانستان بود و نه برای «دمکراسی و حقوق زنان». هدف اصلی این تهاجم نظامی الحاق کامل سیاسی افغانستان به منظور انتقال لوله‌های گاز از آسیای میانه به دریای عمان، ایجاد پایگاه‌های نظامی پشت مرزهای ایران، روسیه و چین و نیز غارت منابع طبیعی نظیر لیتیوم، آهن، مس، کوبالت و طلا، الماس، گاز طبیعی، نفت و اورانیوم ... بوده است.

آمریکا نه تنها باید بی‌قید و شرط خاک افغانستان را ترک کند، بلکه باید در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شود و خسارت به مردم افغانستان به‌پردازد.

خلق افغانستان حضور بیست سال قوای متجاوز روسیه سوسیال امپریالیستی را برنه‌تایید و ۱۸ سال حضور متجاوزین فاشیست آمریکایی و اروپایی نیز نه‌توانست بر اراده ملتی که برای رهایی و حق تعیین سرنوشت خود می‌رزمند، غلبه کند! خلق افغانستان به قیم نیاز ندارد، خود سرنوشت خویش را تعیین خواهد کرد.

دست‌ها از افغانستان کوتاه باد!



## ترتسکی و خیانت تاریخی او به انقلاب اکتبر

هنوز محافلی از ترتسکیست‌ها هستند که با یاری حمایت‌های امپریالیستی و ضد کمونیستی، «ترتسکی» را رهبری بزرگ و خردمند و استالین را دیکتاتور خون‌آشام، که «ترتسکی» را با خشونت از صحنه حذف کرد، مورد حملات ردیالانه قرار می‌دهند!

در انتخابات سال ۱۹۲۷ در میان ۷۳۰ هزار از اعضای حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۷۲۴ هزار نفر به استالین رأی دادند و تنها ۶ هزار نفر به «ترتسکی». وقتی «ترتسکی» در اقلیت محض قرار گرفت، دست به توطئه و ترور و خرابکاری زد و با تشکیل گروه‌های مخفی و با جاسوسی و همکاری با امپریالیسم برای سرنگونی حکومت شوراهای قدم برداشت. این سیاست خائنانه سرانجام موجب شکست و به اضمحلال کامل گروه او منجر شد.

در جنگ کبیر ضد فاشیستی بر علیه ارتش نازی هیچ سندی دال بر مبارزه هواداران «ترتسکی» علیه قوای فاشیسم نیست، اما اسناد فراوانی موجودند که مبارزه ترتسکیست‌ها را علیه رهبر ارتش سرخ، رفیق استالین و تلاش برای شکست اتحاد شوروی را بازتاب می‌دهد.

ترتسکیسم، روی‌یونیسیم و سوسیال دمکراتیسم دشمنان استالین و کمونیسم‌اند!





## درهم شکسته‌باد آپارتاید جنسی در ایران

به استخوانی در گلوی نظام زن ستیز اسلامی بدل شده و بیش از پیش موجب بی‌آبرویی او گردیده است. مایه بیشمی است که در قرن ۲۱، از حضور زنان میهن ما در استادیوم ورزشی ممانعت بعمل آورد. فشار زنان ایران از پائین در طول ۴۰ سال و در اشکال مختلف بر علیه این نظام کوراندیش جریان داشته و عقب‌نشینی رژیم، ولو کوچک در این عرصه را باید در بن‌بست و شکست سیاست آپارتاید جنسی و پیشروی زنان علیه تمام اشکال تبعیض و سیاست زن‌ستیزانه و ارتجاعی حاکم بر ایران دید.

درود بر زنان شجاع و مبارز ایران!

«محمدرضا داورزنی»، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان، اعلام کرد شرایط برای حضور بانوان در بازی‌های ملی فوتبال فراهم شده است و احتمالاً از اولین بازی تیم ملی، زنان می‌توانند در ورزشگاه حضور یابند.

«محمدرضا داورزنی» روز چهارشنبه ۳۱ مرداد در گفتگو با ایسنا از لزوم «حفظ حرمت و کرامت بانوان» صحبت کرد و افزود: «در شرایط فعلی تلاش می‌کنیم که این اتفاق [حضور زنان در ورزشگاه‌ها] در بازی‌های ملی رخ دهد. در ورزشگاه آزادی این امکان در حال حاضر فراهم شده است و شرایط به گونه‌ای است که ورودی‌ها، خروجی‌ها، گیت‌ها، سرویس‌های بهداشتی و محل نشستن‌ها به گونه‌ای است که هیچ اختلاطی بین حضور بانوان و آقایان وجود ندارد.»

داورزنی هم‌چنین گفت از «آنجایی که بسیاری از استادیوم‌ها از شرایط لازم برخوردار نیستند و اصلی‌ترین وظیفه وزارت ورزش را که «حفظ حرمت و کرامت بانوان است»، نمی‌توان در این ورزشگاه‌ها تأمین کرد، «فعلاً زنان برای تماشای بازی‌های باشگاهی نمی‌توانند حضور داشته باشند!»  
پیکار زنان برای حضور در استادیوم ورزشی به ویژه فوتبال



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)  
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

تجزیری محکوم شده‌اند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «ما نسبت به بازداشت و صدور احکام سنگین حبس علیه این زنان که به فعالیت‌های صلح‌آمیزی که با حق آزادی آنها ارتباط مستقیم دارد، عمیقاً نگران هستیم».

در همین روز «صادق زیباکلام»، استاد دانشگاه و تحلیل‌گر مسائل سیاسی از محکومیت یک سال زندان خود به اتهام «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» خبر داد. به گفته‌ی «زیباکلام» محکومیت وی در پی شکایت دادستان دادسرای ویژه روحانیت و به واسطه یکی از یادداشت‌هایش پیرامون مقایسه بودجه استخدام سیصد هزار روحانی با بودجه استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و محیط زیست کشور بوده است.

**شنبه ۲۶ مرداد:** دومین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات «حسن سعیدی»، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، روز جاری در دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. سعیدی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه همزمان با روز جهانی کارگر بازداشت و پس از ۳۳ روز با تودیع قرار وثیقه آزاد شده بود. در همین روز «محمد نجفی»، وکیل دادگستری محبوس در زندان اراک، در پی تبعید به قرنطینه این زندان دست به اعتصاب غذا زد.

**یکشنبه ۲۷ مرداد:** «عباس واحدیان شاهرودی»، نویسنده و فعال مدنی ساکن مشهد، شب‌هنگام در منزل شخصی خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. براساس اطلاعات دریافتی ۸ تن از مأموران امنیتی به منزل آقای «واحدیان شاهرودی» مراجعه کرده و با رفتاری خشونت‌آمیز وی را بازداشت کردند. بازداشت «عباس واحدیان شاهرودی» در حالی صورت گرفته است که وی امروز به شعبه ۹۰۳ دادگاه انقلاب مشهد احضار شده بود. در همین روز «نجات بهرامی»، روزنامه‌نگار و معاون سابق روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش توسط دادگاه انقلاب تهران به یک سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از استفاده از تلفن هوشمند و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی محکوم شد. وی در آذر ماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. در این روز «جاوید رحمان»، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، گزارش تازه خود در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را منتشر کرد. این گزارش شامل بخش‌هایی از جمله، مجازات اعدام در ایران، بازداشت‌های خودسرانه شهروندان دو تابعیتی، افزایش فشار بر روزنامه‌نگاران، جامعه و کلا و فعالان حقوق زنان، عدم آزادی بیان و اطلاع‌رسانی آزاد است.

در همین روز «محمد تقی فلاحی»، دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران، به ۸ ماه حبس تعزیری و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شد. اجرای این حکم به مدت سه سال تعلیق شده است. آقای فلاحی ۱۲ اردیبهشت ماه امسال همزمان با روز معلم و در جریان تجمع اعتراضی فرهنگیان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. در موردی دیگر دادگاه تجدیدنظر استان تهران حکم



## کانون نویسندگان ایران

گزارش کانون نویسندگان ایران

### آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت

(۲۳ - ۲۹ مرداد)

چهارشنبه ۲۳ مرداد: دادگاه «سید رسول طالب مقدم»، از بازداشتی‌های روز جهانی کارگر، در شعبه‌ی ۲۶ دادگاه انقلاب به اتهام «اخلال در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام» برگزار شد. در همین روز جلسه رسیدگی به اتهامات ۱۰ تن از کارگران معترض مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در دادگستری شوش برگزار شد.

کارگران مذکور عبارتند از «حسین انصاری‌زاده»، «محمد خنیفر»، «فیصل ثعالبی»، «صاب ظهیری»، «عادل سماعی»، «اسماعیل جعاده»، «بنی نعیمی»، «امید آزادی»، «رستم عبدالله‌زاده» و «علی بنی سعده». روز پیش از برگزاری این دادگاه نیز هفت کارگر معترض دیگر این مجتمع هر کدام به ۸ ماه حبس تعلیقی و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

در این روز «اولدوز قاسمی»، «جواد احمدی ینکانلی» و «امیر ستاری» سه فعال اهل آذربایجان غربی از دادرای عمومی و انقلاب ارومیه ابلاغیه الکترونیکی دریافت کردند. براساس این ابلاغیه آنها باید در تاریخ ۱۷ مهرماه در محل دادرای حاضر شوند. این سه شهروند در فروردین ماه سال جاری توسط دادگاه کیفری دو نقره از اتهامات مطروحه تبرئه شده بودند.

**جمعه ۲۵ مرداد:** شماری از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای صدور احکام سنگین حبس علیه «یاسمن آریانی»، «منیره عربشاهی» و «مژگان کشاورز» را به دلیل اعتراض به حجاب اجباری، محکوم کردند و خواستار آزادی بی قید و شرط آنها شدند. این سه فعال مدنی پیش‌تر توسط دادگاه انقلاب تهران مجموعاً به ۵۵ سال و شش ماه حبس





## محکومیت مرضیه امیری به ده سال و نیم حبس

طبق گزارشی از شورای صنفی دانشجویان کشور «مرضیه امیری»، دانشجوی بازداشتی دانشگاه تهران و خبرنگار روزنامه شرق، به ۱۴۸ ضربه شلاق و مجموعاً ده و نیم سال حبس محکوم شد که شش سال آن قابل اجراست.

رژیم سرمایه‌داری و ضدکارگر و دانشجو و ضد زحمتکشان ایران از مردم ایران بیشتر از دشمنان خارجی ایران می‌هراسد. رژیم با سوء استفاده از تشدید تحریمات اقتصادی و تهدیدات خارجی به تشدید سرکوب داخلی می‌پردازد و هر اندازه تهدید خارجی حدت یابد، بر شدت سرکوب داخلی نیز افزوده خواهد شد. در نتیجه خواست لغو تحریم اقتصادی و تهدید نظامی خارجی در خدمت منافع عموم مردم، بویژه طبقه کارگرایران است. لذا کسانی که از این وظیفه سر باز می‌زنند دشمن مردم ایران و مشوق تشدید سرکوب کارگران و حامیان اردوی کار و زحمت هستند!

حزب ما حکم سرکوب‌گرانه و ضدانسانی بی‌داد گاه «انقلاب اسلامی» را شدیداً محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط «مرضیه امیری» و سایر فعالین سیاسی است.

۱۰ سال حبس و ۲ سال ممنوع از کاری و ممنوع‌الخروجی برای «ارس امیری»، فعال فرهنگی، دانشجوی ایرانی دانشگاه کینگستون و کارمند دفتر شورای فرهنگی بریتانیا (بریتیش کانسیل) را بدون حضور او و وکیلش عیناً تأیید کرد. «ارس امیری» در اردیبهشت ماه سال جاری توسط دادگاه انقلاب به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شده بود.

**دوشنبه ۲۸ مرداد:** جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران با انتشار نامه‌ای خطاب به وزیر علوم ضمن اشاره به دانشجویان بازداشتی و دربند این دانشگاه و تأکید بر اصل استقلال دانشگاه، این وزارت و دست‌اندرکاران آموزش عالی کشور را ناتوان در عملی ساختن وعده‌های خود مبنی بر پیگیری وضعیت دانشجویان دانسته و اعلام کرده‌اند که این نهاد خود بخشی از سرکوب سازمان‌یافته علیه دانشجویان فعال در عرصه‌های صنفی است.

در همین روز جلسه‌ی دادگاه رسیدگی به اتهامات «صبا کردافشاری»، فعال مدنی، روز جاری در دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. کیفرخواست پرونده خانم «کردافشاری» در تاریخ ۱۶ مرداد به وی ابلاغ شده بود. «صبا کردافشاری»، از تاریخ ۱۱ خردادماه در بازداشت به سر می‌برد و روز سه‌شنبه از زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شده است. در این روز شماری از حامیان حقوق حیوانات که در اعتراض به کشتار وحشیانه سگ‌ها در مقابل ساختمان شهرداری تهران تجمع کرده بودند، در پی هجوم پلیس به این تجمع به خشونت کشیده شد و تعدادی از معترضان بازداشت شدند. در همین روز اعظم خضری («نسرین جوادی»)، از بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران توسط دادگاه انقلاب تهران به ۷ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. این فعال کارگری در جریان تجمع روز جهانی کارگر بازداشت و پس از حدود یک ماه با تودیع قرار وثیقه آزاد شده بود.

**سه‌شنبه ۲۹ مرداد:** دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی، حکم ۱۳ سال حبس تعزیری «کمال جعفری یزدی»، استاد دانشگاه، ساکن مشهد را عیناً تأیید و روز گذشته به وکیل وی ابلاغ کرد. «جعفری یزدی» اواخر فروردین ماه سال جاری توسط دادگاه انقلاب مشهد به حبس محکوم و جلسه دادگاه تجدیدنظر وی که با بازداشت شماری از فعالین مدنی و صنفی نیز همراه بود، هفته گذشته برگزار شده بود. در همین روز «محمدصابر ملک رئیسی» و «شیراحمد شیرانی»، دو زندانی سیاسی تبعیدی در زندان اردبیل، به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام از درون زندان» توسط دادگاه انقلاب اسلامی این شهر هرکدام به یک سال حبس تعزیری دیگر محکوم شدند. حکم صادره در ارتباط با پرونده جدیدی است که این دو زندانی در نهمین سال حبس خود با آن روبرو شده‌اند. پیش‌تر نیز بابت بخش اول این پرونده، «محمدصابر ملک رئیسی»، به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شده بود.



به غذا و دارو را هدف قرار نمی‌دهد، اما در عمل، تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای جنگ اقتصادی عمل می‌کنند. مقامات رسمی واشنگتن به تأکید خود بر حفظ موارد استثنا در تحریم برای محافظت از تجارت بشردوستانه تأکید می‌کنند، اما حتی پس از رأی دیوان عدالت بین‌المللی مبنی بر ناکافی بودن این استثنائات، تغییرات بسیار محدودی در آثار تحریم بر سلامت و زندگی ایرانیان اتفاق افتاد.

این شرایط در دوران ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» وخیم تر شد؛ به طوری که در دوران «باراک اوباما» میزان صادرات سالانه دارو به ایران به طور متوسط ۲۶ میلیون دلار بود، و در طی دو سال گذشته و تحت سیاست‌های زورمدارانه ترامپ، به ۸،۶ میلیون دلار کاهش یافته است. متاثر از جهت‌گیری‌های دولت ترامپ، صادرات دارو از کشورهای اروپایی مانند سوئیس و فرانسه نیز به ایران نیز به طور قابل توجهی کاهش یافت. سال گذشته تعدادی از متخصصان حوزه انکولوژی اطفال گزارشی را در هفته نامه لنست منتشر کردند مبنی بر اینکه نایاب شدن داروهای شیمی درمانی مانند آسپاراژیناز و مرکاپتوپورین برای درمان لوسمی، تحت تاثیر تحریم‌های امریکا علیه ایران، تهدیدکننده جان هزاران کودک در ایران است. تحریم از سه طریق، کاهش واردات دارو، کاهش واردات مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های داخلی ساخت دارو و کاهش قدرت خرید شرکت‌های وارد کننده به واسطه آشفتگی وضعیت اقتصادی، منجر به اختلال در مسیر دسترسی به دارو می‌شود.

بر این اساس، آنچه که به ظاهر تحریم بانکی بدون مداخله در تجارت بشردوستانه به نظر می‌رسد، واقعیتی بسیار خطرناک‌تر از عنوان مورد ادعای خود دارد؛ محدود شدن دسترسی جمعیت عمومی ایران، به ویژه سالمندان، کودکان، زنان و بیماران مبتلا به اختلالات مزمن، و ایجاد چرخه‌های ناسالم توزیع و احتکار دارو، از جمله واقعیت‌های مرگبار نهفته در پشت این ادعاست. در طی سال‌های جنگ ایران - عراق، ایالات متحده نه تنها از اعمال تحریم بر علیه عراق، برای متوقف کردن استفاده آنها از سلاح شیمیایی، اجتناب کرد، بلکه حتی مانع از دسترسی ایران به داروهای مورد نیاز برای درمان مجروحان حملات شیمیایی شد. به عنوان یکی از قربانیان این حملات که همچنان تحت درمان برای صدمات شیمیایی پیش‌رونده به چشم و ریه‌هایم هستم، شاهد صدها مجروح محروم از درمان در نزدیک مرز ایران و عراق بودم و امروز بعد از گذشت چهل سال ایالات متحده همچنان ضعف‌های اخلاقی مشابه را نشان می‌دهد، و مشاهده پیامد این ضعف‌ها همچنان ادامه دارد. اگرچه بسیاری از هموطنان ما پس از مواجهه با گازهای شیمیایی زنده ماندند، اما رنج جراحات پیش‌رونده آنها در نتیجه تحریم، و مرگ و ناتوانی هزاران بیمار محروم از درمان، یک افسانه نیست.

<https://foreignpolicy.com/14/08/2019/u-s-sanctions-are-killing-cancer-patients-in-iran/>



## تحریم‌های ایالات متحده در حال از بین بردن بیماران مبتلا به سرطان در ایران است.

مقاله‌ای از «عباس کبریائی زاده»، استاد فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران

\*\*\*

واشنگتن ادعا می‌کند که حتی بالاترین میزان فشار تحریم، تأمین دارو و سایر مایحتاج انسانی را متوقف نخواهد کرد؛ این در حالیست که تحریم‌های بانکی باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی، انسداد زنجیره تأمین و احتکار مرگبار داروها می‌شود.

ماه گذشته وزارت امور خارجه ایالات متحده ویدیوئی را خطاب به مردم ایران منتشر کرد که در آن، «برایان هوک»، نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران، ادعا کرد تأثیر تحریم‌ها بر دسترسی مردم ایران به دارو یک افسانه است. برای بیش از یک دهه، من و همکاران متخصصم در زمینه دارو، در تلاش برای مراقبت از بیماران در برابر پیامدهای تحریم بوده‌ایم، اثرات تحریم را بر سیستم سلامت بررسی کرده‌ایم، و باور داریم که صدمات تحمیل شده به بیماران ایرانی افسانه نیست.

انسجام و درهم تنیدگی روابط در دنیای امروز، وابسته به سیستم‌های بانکی و شبکه‌های تجاری است که تحت تسلط ایالات متحده قرار دارند. بنابراین، دولت امریکا می‌تواند از تحریم‌های اقتصادی برای ضربه‌زدن به روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در کشورهای مورد نظر خود استفاده کند. اگرچه طراحی تحریم‌ها به صورتی است که به نظر می‌رسد دسترسی



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

### به یک پرسش

**کمونیست‌ها انترناسیونالیست هستند، نه وطن‌پرست و ناسیونالیست!!**

پرسش: «دوستان توفان در صداقت‌تان شکی ندارم، ولی بیش از اندازه به وطن‌دوستی و ناسیونالیسم درغلتیده‌اید. از کلمه وطن بسیار استفاده می‌کنید، در حالی که به قول مارکس کمونیست‌ها و کارگران اساساً وطن ندارند! زیرا وطن در دست بورژوازی است و این وطن از آن پرولتاریا نیست.»

**پاسخ:** متأسفانه شما گفته مارکس را در مورد «کارگران وطن ندارند»، اشتباه برداشت کرده‌اید. برداشت شما از این شعار یک برداشت «جهان‌وطنی» است و این یک انحراف به راست و در هر شرایطی توجیه امپریالیست‌ها برای تجاوز به کشورهاست. این یعنی خلع سلاح روحی طبقه کارگر در مقابل تجاوزات امپریالیستی! «وطن» یا «میهن» یعنی یک محیط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معین که نیرومندترین عامل در مبارزه طبقاتی کارگران است و کارگران نمی‌توانند نسبت به آن و سرنوشت‌اش بی‌تفاوت باشند. کسی که عشق به میهن خود دارد - نه عشق به گاوصندوق پول و غارت ثروت میهن و خیانت به منافع زحمتکشان - میهن دوست است. چنین میهن دوستی، انترناسیونالیست نیز هست. کسی که وطن خود را دوست نه‌دارد، نمی‌تواند وطن کارگران دیگر کشورها را

دوست داشته باشد و در نتیجه نمی‌تواند انترناسیونالیست باشد. حتماً می‌دانید پیروان منصور حکمت به جای میهن‌دوستی و انترناسیونالیسم پرولتری به «جهان‌وطنیسم» و خیانت ملی درغلتیده و مشوق حمله امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها به ایران هستند. این مزدوران «چپ» نما و نوکر صهیونیسم در کنار سازمان مجاهدین به عنوان عوامل امپریالیسم در ایران و منطقه عمل می‌کنند و نمی‌خواهند سر بر بدن میهن ما، ایران باشد.

مارکس و انگلس در مانیفست به درستی اشاره کرده‌اند که: «مبارزه پرولتاریا بر ضد بورژوازی در آغاز، اگر از لحاظ معنی و مضمون ملی نه‌باشد، از لحاظ شکل و صورت ملی است. پرولتاریای هر کشوری طبیعتاً در ابتدای امر باید کار را با بورژوازی کشور خود یکسره نماید». به این اعتبار مبارزه پرولتاریا اگرچه در مضمون انترناسیونالیستی است، اما در شکل ملی و مشخص است و باید ابتدا تکلیف خود را با بورژوازی خودی یکسره کند. مارکس و انگلس در سال‌های بعد از انتشار مانیفست بارها از مبارزه میهن‌دوستان ایرلندی در دفاع از وطن‌شان در مقابل انگلیس دفاع کردند، هم‌طور از میهن‌دوستی مبارزان لهستانی. همه اینها خط بطلانی است بر نظریه انحرافی «کارگران میهن ندارند».

لطفاً آثار مارکس را با دقت مطالعه کنید! در این صورت، جز این نتیجه‌ای حاصل نه‌خواهد شد.

اثر تئوریک و ارزشمند لنین «جزوه یونوس» در مورد جنگ‌های عادلانه و میهنی و جنگ‌های غیرعادلانه خط بطلانی بر نظرات ضد کمونیستی و پرو امپریالیستی احزاب پیروان منصور حکمت و دارودسته‌های شبه ترسکیستی است که دفاع از میهن را به

امپریالیسم خواهد بود. چنین جنگ‌هایی می‌توانند به یک جنگ امپریالیستی قدرت‌های «معظم» امپریالیستی کنونی به‌انجامند، اما می‌توانند نیز به آن‌ها انجامند - این امر به بسیاری از شرایط بستگی دارد».

دفاع از میهن در یک جنگ ملی و تدافعی به معنی میهن دوستی و دفاع از منافع ستمدیدگان در مقابل ستمگران است. در اینجا طرح شعار «کارگران وطن ندارند» خیانت به پرولتاریا و زحمتکشان و به آلت دست امپریالیست‌ها تبدیل شدن است. این نظریات «جهان وطنی» و آلوده به نظریات ترسکیستی و شبه ترسکیستی آذین‌بخش احزاب جهان وطنی و خیانت پیشه پیروان منصور حکمت، جریان اقلیت و سازمان راه کارگر و «حزب کمونیست» ناسیونال - شونیست کردستان و امثالهم است که ویرس‌وار به جان و روح عده‌ای که از مطالعات کلاسیک و تئوریک بی‌بهره‌اند، رسوخ کرده است. این جریان‌ها با اولین بمباران ایران توسط بمب افکن‌های آمریکا در پارکابی ارتش متجاوز امپریالیستی بسیج می‌شوند، تا وطن را از چنگ رژیم جمهوری اسلامی درآورند و «یک وطن شورایی» در ایران مستقر سازند!

دوست عزیز، تقاضای ما این است که کُتب ارزشمند بزرگان مارکسیسم در زمینه ملی و میهنی، جنگ‌های تدافعی و جنگ‌های تجاوزکارانه و امپریالیستی را به دقت مطالعه کنید و بحث و گفتگو با ما را ادامه دهید. پیروز باشید!

ریشخند می‌گیرند. اشاره به «جزوه یونیوس» در اثبات طرح دفاع از میهن در یک جنگ تدافعی و عالانه است. زمانی که رهبران انترناسیونال دوم، نظیر «لکین»، «داوید»، «کائوتسکی»، «پلخانوف» و ..... به مارکسیسم و انترناسیونال پرولتری خیانت ورزیدند و راه سازش با ارتجاع را پیش گرفتند، وظیفه دفاع از مارکسیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را در کنار لنین شخصیت‌های برجسته سوسیال دمکراسی نظیر «روزا لوکزامبورگ» بر عهده گرفتند و سازشکاران را به زیر آتش حمله خود گرفتند. عمده‌ترین مسئله مورد مشاجره میان خائنین به مارکسیسم و وفاداران به مشی پرولتری، مسئله برخورد به «جنگ» در آن دوران بود. «روزا لوکزامبورگ» در مبارزه خود با اپورتونیست‌ها از جمله جزوه‌ای تحت عنوان «بحران سوسیال دمکراسی» انتشار داد. این جزوه عمدتاً دربارهٔ تحلیل جنگ، رد نظریهٔ خائنانه خصلت آزادخواهانه ملی، جنگ‌های امپریالیستی موجود و اثبات این مسئله که جنگ جهانی اول چه از طرف آلمان و چه از طرف سایر نیروهای بزرگ امپریالیستی دامن زده شود، جنگی است، امپریالیستی، نگاشته شده است. لنین کبیر، که رهبر مبارزه با رهبران اپورتونیست دوم را بر عهده داشت، جزوه فوق را با تیزی خاصی که منحصر به اوست، بررسی کرد و در عین تأیید آن به مثابه یک اثر برجسته مارکسیستی، انتقادات سازنده‌ای را در جزوه‌ای به نام «درباره جزوهٔ یونیوس» به رشته تحریر درآورد و انحرافات «روزا» را در مورد جنگ‌های ملی و میهنی برشمرد.

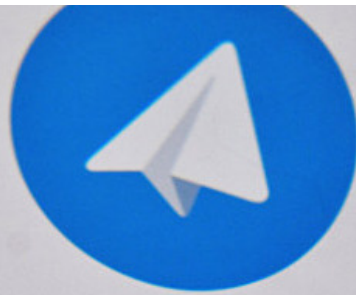
لنین در این اثر خود در ضمن تأیید و تأکید این مسئله که در یک جنگ امپریالیستی امکان بروز و وقوع جنگ‌های ملی (یعنی جنگ‌های تحت ستم و یا تحت اشغال علیه امپریالیسم) کاملاً موجود است، آموزش‌های گران‌بهای پیرامون جنگ امپریالیستی و اینکه نیروهای انقلابی و به خصوص پرولتاریا چه برخوردی به آن خواهد داشت، به جای گذارده است.

لنین در این جزوه با صراحت مسئله مرکزی سیاسی پرولتاریا را در زمان جنگ امپریالیستی چنین بیان می‌دارد: «پرولتاریا مخالف دفاع از میهن در این جنگ امپریالیستی است، و این مخالفت با توجه به خصلت غارت‌گرانه، اسارت‌آور و ارتجاعی این جنگ، با توجه به امکان و ضرورت قرار دادن جنگ داخلی به خاطر سوسیالیسم در مقابل آن (تبدیل آن به چنین جنگ داخلی) صورت می‌گیرد». لنین تأکید می‌کند که جنگ‌های ملی کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره در دوران امپریالیسم نه تنها محتمل بلکه اجتناب‌ناپذیراند. در کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره (چین، ترکیه، ایران) تقریباً ۱۰۰۰ میلیون انسان، یعنی بیش از نصف جمعیت کل روی زمین زندگی می‌کنند، جنبش‌های آزادیبخش ملی در این کشورها یا بسیار پُر قدرت و یا در حال رشد بوده و به حد بلوغ نزدیک می‌شوند. هر جنگی ادامه سیاست است با وسائل دیگر، ادامه سیاست رهایی‌بخش ملی در مستعمرات بالاجبار جنگ‌های ملی مستعمرات علیه



دستها از ایران کوتاه باد  
HANDS OFF IRAN





Telegram  
World's fastest messaging app.  
Private and secure.

## پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: چرا نباید از آمریکا تقاضای کمک برای برانداختن رژیم کرد؟ کمک بلاشرط چه عیبی دارد؟

**پاسخ:** دوست عزیز از امپریالیسم آمریکا نمی‌شود تقاضای «آزادی» و «رعایت حقوق بشر» کرد. تجربه تاریخ هنوز زنده در مقابل ما عرض اندام می‌کند. داعش آخرین آن و بدترین نوع آن نخواهد بود. آمریکا هرگز حکومتی را در ایران بر سرکار نمی‌آورد که منافع مردم ایران را تأمین کند. سرنوشت مردم ایران همیشه برای امپریالیست‌ها بی‌تفاوت بوده است و خواهد بود. همین امپریالیسم آمریکا در بسیاری کودتاهای جهان برای حفظ منافع خویش و بر ضد منافع مردم کشورهای مورد تهاجم شرکت داشته است. سرنگونی حکومت دکتر مصدق در ایران، آلوده در شیلی، لومومبا در کنگو، احمد سوکارنو و وزیر امور خارجه‌اش در اندونزی و... گواه جنایات این تجاوزگران است. چشم امید به امپریالیست‌ها داشتن، دور از وظیفه اساسی است که انسان‌ها باید برای رهایی خویش به آن به‌اندیشند.

رهائی مردم ایران از زیر سلطه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که یک انگل و فاسد به تمام معناست، تنها با نیروی مردم ایران، با تکیه به زحمتکشان جامعه به مثابه نیروی عمده تحول و تکامل در ایران مقدور است. باید روحیه تکیه به نیروی خود را تقویت کرد و نه اتکاء به اجانب را. مبارزه با رژیم مستبد جمهوری اسلامی را باید در کادر منافع مردم ایران به پیش بُرد و نه در کادر منافع امپریالیسم و صهیونیسم جهانی. مبارزه با عفریت داخلی جدا از مبارزه با عفریت خارجی نیست.

امپریالیسم نه مبشر آزادی است و نه متحد مردم ایران برای رهایی از سلطه جمهوری اسلامی. کسی که این را نفهمد، به

همدست اجانب بر علیه مردم و ویرانی ایران بدل خواهد شد. کشور همسایه ما عراق نمونه خوبی برای آموزش و پرهیز از همدستی با امپریالیسم است. هیچگاه امپریالیست‌ها به نیروئی بدون قید و شرط کمک نه کرده‌اند. شما می‌بینید که سازمان‌ها و احزاب ایرانی، که از عربستان و اسرائیل و آمریکا و برخی از ممالک اروپائی پول دریافت می‌کنند، زبان‌شان بسته است، در قبال حملات صهیونیست‌ها به کودکان فلسطینی سکوت می‌کنند، در مورد مداخلات عربستان در امور داخلی کشورها سکوت می‌کنند و همه گناهان را به گردن ایران می‌اندازند. این جریانات دیگر سخنی از امپریالیسم نمی‌گویند، فقط به رژیم جمهوری اسلامی و یا رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی اکتفا می‌کنند و موزیانه از کنار فشار و تعرض امپریالیستی، تحریم و تهدید به تجاوز به ایران می‌گذرند و ایران را عمده‌ترین دشمن منطقه ارزیابی می‌کنند. این همان سیاستی است که امپریالیست‌ها با چرب کردن سبیل عده‌ای از اپوزیسیون، که امیدش به مردم قطع شده است، جان انداخته‌اند و به شستشوی مغزی افکار عمومی مردم ایران مشغول‌اند. اسناد کمک مالی به جریانات سیاسی ایران وجود دارد می‌توانید آنها را به دست آورید.

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<b>POSTBANK</b>						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
<b>P.O. BOX 1138</b>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						